



مرحمتی حسنی

پرسش و پاسخ
پیرامون امام زمان

علی اصغر رضوانی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مردم می پرسند!

پرسش و پاسخ

پیرامون امام زمان

عجل الله تعالى فرجه الشريف

مردم می پرسند!

پرسش و پاسخ پیرامون امام زمان علیه السلام

تألیف علی اصغر رضوانی
شمارگان ۵۰۰۰ نسخه
قطع و صفحه: ۰۴ ارقعی
چاپ اول: چاپخانه پرستش
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۵۵۸۸-۲۹-۳
قیمت ۱۲۰۰ تومان

پخش اندیشه: ۰۹۱۲-۷۴۷۷۱۱۸

پیشگفتار

انسان‌ها در دوران زندگی خود ممکن است از نظر شک و شبهه دچار بحران می‌شوند، لذا در وضعیت خاصی قرار می‌گیرند، مخصوصاً زمانی با مجموعه‌ای از افکار و عقاید و آرای مخالف محیط خود و گاهی نیز با تبلیغات از راه‌های گوناگون مواجه گردد. لذا انسان اگر واقعاً حقیقت جو باشد خداوند او را راهنمایی خواهد کرد. خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا﴾^(۱) «وکسانی که در راه ما جهاد و کوشش کنند البته ما آنها را به راه‌هایمان هدایت خواهیم کرد»

شک و شبهه بر دو قسم است، گاهی مقدس است اگر معبر و مقدمه‌ای برای رسیدن به یقین باشد، و گاهی نامقدس در صورتی که وسیله‌ای برای ضربه زدن به یقین بعد از تحقیق باشد.

شهید مطهری رحمته الله علیه درباره شک مقدس می‌فرماید: «... اگر این تشکیکات وارد جامعه نشود خطر است. اگر وارد نشود کم‌کم مردم آن حالت دینی‌شان رو به تحجّر، و نه تحجّر که رو به عفونت می‌رود.

۱. سوره عنکبوت، آیه ۶۹.

درست مثل آب کاملاً صافی که آن را در حوض قرار می‌دهیم و اگر مدتی بماند می‌گردد. اگر در مردم یک حالت آرامشی باشد و بر معتقدات دینی و مذهبی تازیانه شک نخورد در آن صورت عوام پیشتاز آن معتقدات می‌شوند. وقتی عوام پیشتاز بشوند دائم از خودشان چیزی می‌سازند...» (۱)

ولی برخی شک‌ها نوعی بیماری است، مانند وسوسه، شک کثیرالشک در نماز، وضو و سایر عبادات و طهارت و نجاست. این گونه شک‌ها و شبهه‌ها نوعی بیماری و مرض است. زیاد شک کردن نوعی بیماری است.

برخی معتقدند انسان در هر سن و معلوماتی که باشد بی هیچ قید و شرطی می‌تواند به هر سخنی گوش فرا دهد. اینان به آیه شریفه: **﴿فَبَشِّرْ عِبَادِ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ﴾** (۲) تمسک می‌کنند. در صورتی که آیه شریفه در مورد اندیشمندان و صاحب نظرانی است که قدرت و توان تشخیص «قول احسن» را دارند نه هر کسی، در هر سن و سال و سطحی از معلومات می‌تواند این چنین باشد. چنان که در ادامه آیه شریفه می‌فرماید: **﴿أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُوا الْأَلْبَابِ﴾** (۳) «آنان کسانی‌اند که خدا هدایتشان کرده و آنان خردمندان و صاحبان مغز و عقل‌اند.»

بنابراین تا وقتی که انسان اعتقادهایش را از منابع موثق و معتبر محکم نکرده و قدرت پاسخگویی به شبهات را ندارد، نباید در این

۱. فصلنامه مطهر، شماره صفر، ص ۳۴ و ۳۵.

۲. سوره زمر، آیه ۱۷ و ۱۸.

۳. سوره زمر، آیه ۱۸.

وادی قدم بگذارد. انسان باید زمان شناس باشد، برای حال و آینده‌اش برنامه ریزی کند؛ نه اینکه بنشیند و هنگامی که با شبهات بنیان کن و تبلیغات مسموم روبه‌رو شد به فکر چاره‌ای بیفتد، بلکه مانند واکسنی که برای پیشگیری امراض به کودکان تزریق می‌کنند ما نیز با طرح شبهات و جواب آنها به طور فشرده اطلاعی از آنها داشته باشیم تا هنگام مواجهه با مخالفان خود را نباخته و توان جواب‌گویی را داشته باشیم.

امام صادق علیه السلام فرمود: «کسی که زمان شناس است شبهات بر او هجوم نخواهد آورد.»^(۱)

امام علی علیه السلام فرمود: «هر کسی که روزگار خود را شناخته و زمان شناس باشد از آمادگی غافل نخواهد شد.»^(۲)

ولی این بدان معنا نیست که علما و دانشمندان هیچ وظیفه‌ای ندارند، بلکه وظیفه سنگینی بر دوش آنان است و باید به هر نحو ممکن توجیه‌گر عقلایی شک‌ها و شبهه‌ها باشند تا مردم خصوصاً نسل جوان به سر منزل یقین برسند.

۱. کافی، ج ۱، ص ۲۷، ح ۲۹؛ تحف العقول، ص ۳۵۶؛ بحار، ج ۷۵، ص ۲۶۹، ح ۱۰۹.

۲. کافی ج ۸، ص ۲۳، ح ۴؛ أمالی، شیخ صدوق، ص ۴۰۰، ح ۹؛ توحید، ص ۷۴، ح ۲۷؛ تحف العقول، ص ۹۸؛ بحار، ج ۷۴، ص ۲۸۷، ح ۱.

چه آثار و فوایدی بر بحث از مهدویت در این زمان مترتب است؟

برخی بر این گمان اند که طرح و بررسی موضوع مهدویت در این زمان امری بی فایده است، زیرا این موضوع مربوط به آینده بشریت است و آینده و اتفاقات آن امری است مجمل و مبهم، اما آنچه وظیفه ماست اینکه به تکالیف خود در عصر و زمان خود عمل کنیم؛ زیرا هر عصر و زمانی مقتضیات خود را می طلبد... (۱)

پاسخ: بحث از مهدویت در این عصر و زمان آثار و فوایدی دارد که

به برخی از آنها اشاره می کنیم:

۱- آرمان قیام و انقلاب مهدی علیه السلام یک فلسفه بزرگ اجتماعی، اسلامی است. این آرمان بزرگ گذشته از اینکه الهام بخش ایده و راه گشای به سوی آینده است، آینه بسیار مناسبی است برای شناخت آرمان های اسلامی. (۲)

۲- نوید به برپایی حکومتی جهانی و اسلامی ارکان و عناصر مختلفی دارد که برخی فلسفی و جهانی است و جزئی از جهان بینی اسلامی است، و برخی فرهنگی و تربیتی است، برخی سیاسی است و برخی اقتصادی و برخی اجتماعی است. و برخی انسانی یا انسانی، طبیعی می باشد. (۳)

انسان می تواند با الگوپذیری از برنامه های جامع و فراگیر حضرت

۱. المهدی المنتظر، دکتر عذاب محمود محش، ص ۲۱۴.

۲. قیام و انقلاب مهدی از دیدگاه فلسفه تاریخ، شهید مطهری رحمته الله علیه، ص ۵۷.

۳. همان.

در عصر ظهور به آرمان‌های واقعی اسلام نزدیک شود.

۳- در طول تاریخ و در سطح جهان، انقلاب‌های گوناگونی از قبیل فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و ... صورت گرفته است، ولی اکثر این انقلاب‌ها یا در شروع موفق نبوده و یا اینکه در مواجهه با مشکلات فراوان و مقابله با دشمنان خود نتوانسته است دوام بیاورد... و تنها نگاه سبزی که شیعه به مهدویت دارد می‌تواند با ایجاد روحیه امید در جامعه، مردم را از ناامیدی و یأس برهاند. شیعه معتقد به امام زمانی زنده و حاضر و ناظر بر اعمال خود است که او را در مواقع حساس کمک‌کار خواهد بود. این اعتقاد از جهت روان‌شناسی آثار عمیقی را در روحیه شیعیان خواهد گذاشت.

۴- از آن جهت که وقت تشکیل حکومت امام زمان علیه السلام مشخص نیست و هر لحظه می‌تواند زمان ظهور باشد، لذا وظیفه داریم که نظری به مباحث مهدویت و ظهور کرده و خصوصیات عصر ظهور و وظایف خود در آن عصر را بدانیم.

۵- رسیدن به حکومت جهانی توحیدی در عصر ظهور، شرایطی دارد که برخی از آنها به دست خود بشر حاصل می‌گردد، از آن جمله رسیدن بشر به تکامل همه جانبه و رسیدن به مستوای عالی فکری است. لذا بر ماست که آرمان‌های اصیل اسلامی در عصر ظهور را بدانیم تا بتوانیم هر چه بهتر در نزدیک شدن آن سهیم بوده و زمینه ساز ظهور حضرت باشیم.

۶- بحث از مهدویت تنها بحث از اموری نیست که مربوط به آینده بشریت باشد، بلکه بحث از امامت و مهدویت است، بحث از اینکه در

هر زمانی باید امام معصومی موجود باشد، خواه حاضر و مشهور و خواه غایب و پنهان تا حجت‌ها و بینات خداوند باطل نگردد.

ولذا در روایات اسلامی از رسول خدا ﷺ می‌خوانیم: «من مات ولم يعرف إمام زمانه مات میتة جاهلیة»^(۱) «هر کس بمیرد و پیشوای زمان خود را نشناسد مرده است از نوع مردن زمان جاهلیت.»

بحث از مهدویت، بحث از غیبت و فلسفه آن و آثار و برکات وجود امام در این عصر غیبت است.

ولذا بحث از مهدویت از وظایف و تکالیف شیعه در عصر غیبت است.

ضرورت برپایی حکومت عدل جهانی از راه فطرت چگونه قابل تبیین است؟

ایمان به حتمیت ظهور منجی عالم در فکر عموم انسان‌ها وجود دارد، منشأ این فکر یک رشته اصول قوی و متین است که از سرشت و فطرت اصیل انسانی سرچشمه گرفته است؛ زیرا بشر فطرتاً طالب رسیدن به کمال در تمام زمینه‌های مربوط به خود است و او می‌داند که این کمال، تنها در سایه حکومت عدل توحیدی تحقق می‌یابد.

شهید صدر رحمته الله می‌فرماید: «اعتقاد به مهدی علیه السلام تنها نشانه یک باور اسلامی با رنگ خاص دینی نیست، بلکه افزون بر آن، عنوانی است بر خواسته‌ها و آرزوهای همه انسان‌ها با کیش‌ها و مذاهب گوناگون، و نیز بازده الهام فطری مردم است که با همه اختلاف‌هایشان در عقیده و مذهب دریافته‌اند که برای انسانیت در روی زمین، روز موعودی خواهد بود که با فرارسیدن آن، هدف نهایی و مقصد بزرگ رسالت‌های آسمانی تحقق می‌یابد...» (۱).

برهان فطرت را با بیان‌های مختلف می‌توان تبیین نمود:

بیان اول

الف. انسان در درون خود میل به حکومت عدل جهانی توحیدی را احساس می‌کند.

ب. این حکومت باید موجود شود؛ زیرا میل و کشش درونی از امور

ذات الاضافه است که بدون مضاف الیه امکان پذیر نیست.
 ج. مصداق کامل آن حکومت حضرت مهدی علیه السلام است.
 نتیجه: حکومت عدل جهانی ضرورت دارد.

بیان دوم

الف. انسان با قطع امید از وضعیت موجود جهان احساس نوعی امید
 به حکومتی برتر دارد.

ب. وجود چنین امیدی دلیل بر تحقق آن در عالم خواهد بود.
 نتیجه: حکومت عدل جهانی ضرورت دارد.

بیان سوم

الف. انسان فطرتاً از ظلم متنفر است.
 ب. انسان آنچه را که از او متنفر است طبیعتاً نابودی آن را خوش
 دارد.

ج. بشر، خود به تنهایی قادر بر این عمل نیست.
 نتیجه: برپایی حکومتی که در آن اثری از ظلم نباشد ضرورت دارد.

آیا بشر احتیاج به امداد غیبی دارد؟

برخی معتقدند که بشر با پیشرفت علمی و تکنیک و تمدنی که در ظاهر پیدا کرده احتیاج به امدادهای غیبی ندارد.

ولی جواب این است که: منشأ انحرافات بشر تنها نادانی نیست تا با پیشرفت علم و تکنیک، انحرافات برطرف شود، بلکه عوامل دیگری نیز منشأ انحرافات بشر است که نه تنها در بشر امروزی باقی مانده بلکه بیشتر نیز شده است. این عوامل عبارتند از: غرایز و تمایلات مهار نشده، شهوت و غضب، افزون‌طلبی، جاه‌طلبی، لذت‌طلبی و بالاخره نفس پرستی و نفع‌پرستی که همه اینها در بشر امروز موجود است. علم در امروز به صورت بزرگ‌ترین دشمن بشر در آمده است. علم گرچه چراغ روشنایی است ولی استفاده از آن بستگی به موارد استعمال آن دارد. علم ابزاری برای هدف است نه تشخیص دهنده هدف.

ویل دورانت می‌گوید: «ما از نظر ماشین توانگر شده‌ایم و از نظر مقاصد فقیر».^(۱) انسان عصر علم با انسان ما قبل این عصر در اینکه اسیر و بنده خشم و شهوت خویش است هیچ فرقی نکرده است. علم نتوانسته است آزادی از هوای نفس را به او بدهد. علم نتوانسته است ماهیت هیتلرها را تغییر دهد، بلکه علم دست آنها را درازتر کرده و شمشیر را تبدیل به بمب اتم کرده است.

راسل می‌گوید: «زمان حاضر زمانی است که در آن حس حیرت توأم

با ضعف و ناتوانی همه را فرا گرفته است. می بینیم به طرف جنگی پیش می رویم که تقریباً هیچ کس خواهان آن نیست. جنگی که همه می دانیم قسمت اعظم نوع بشر را به دیار نیستی خواهد فرستاد...»^(۱)

اگر انسان بر اساس علل مادی و ظاهری قضاوت کند پی می برد که این بدبینی ها بجاست، فقط یک ایمان معنوی و ایمان به امدادهای غیبی لازم است که این بدبینی ها را زایل و تبدیل به خوش بینی کند و معتقد باشد که سعادت بشریت، رفاه و کمال او، زندگی انسانی و مقرون به عدل و آزادی و امن و خوشی بشر در آینده است و انتظار بشر را می کشد.

چه نوع آمادگی برای رسیدن به حکومت عدل جهانی لازم است؟

ما هر قدر خوشبین و امیدوار باشیم، باید بدانیم رسیدن به مرحله‌ای از تاریخ که در آن همه انسان‌ها زیر یک پرچم گرد آیند و کشمکش‌ها و بازی‌های خطرناک سیاسی و استعمارگری از بین برود، احتیاج به آمادگی‌های عمومی دارد، گرچه به جهت تحولات و دگرگونی‌هایی که به سرعت در عصر اخیر پدید آمده نباید آن را دور بدانیم، ولی در هر حال برای اینکه دنیا چنان حکومتی را پذیرا گردد احتیاج به آمادگی‌هایی از قبیل موارد ذیل است:

- ۱- آمادگی فکری و فرهنگی: به این معنا که سطح افکار مردم جهان آن چنان بالا رود که بدانند مثلاً مسأله «نژاد» یا «مناطق مختلف جغرافیایی» مسأله قابل توجهی در زندگی بشر نیست، و....
- ۲- آمادگی اجتماعی: به این معنا مردم جهان باید از ظلم خسته شده و عدالت را از جان و دل طلب نمایند.

آری، اگر بنا بود همه کارها با «معجزه» صورت پذیرد، وجود چنین نظامی بدون وسایل پیشرفته صنعتی قابل تصور بود، ولی مگر اداره زندگی مردم جهان با معجزه ممکن است؟ معجزه استثنایی است منطقی در نظام جاری طبیعت برای اثبات حقانیت یک امر آسمانی، نه برای اداره همیشگی نظام جامعه، زیرا این کار تنها باید بر محور قوانین طبیعی صورت بگیرد.

حقیقت انتظار چیست؟

انتظار، کیفیتی روحی است که موجب به وجود آمدن حالت آمادگی است برای آنچه انتظار دارند، و ضد آن یأس و ناامیدی است. هر چه انتظار بیشتر باشد آمادگی بیشتر است. اگر انسان، مسافری داشته باشد که چشم به راه آمدن او است، هر چه زمان رسیدن او نزدیک تر گردد آمادگی برای آمدنش فزونی می یابد. حالت انتظار، گاهی به پایه ای می رسد که خواب را از چشم می گیرد، چنان که درجات انتظار از این نظر تفاوت می کند، همچنین از نظر حبّ و دوستی نسبت به آنچه را انتظار دارد تفاوت دارد. هر چه عشق به «منتظر» افزون باشد آمادگی برای فرارسیدن محبوب افزون می گردد و دیر آمدن و فراق محبوب دردناک می گردد، تا بدانجا که انسان منتظر از خود بی خود می شود و دردها و سختی های دردآور و مشکلات سخت خود را در راه محبوب حس نمی کند.

انتظار، در درجه نخست ویژه حیات و زندگی است. ماهیت زندگی انسان با انتظار و امید به آینده عجین شده است به گونه ای که بدون انتظار، زندگی مفهومی ندارد و شور و نشاط لازم برای تداوم آن در کار نیست. حیات حاضر و کنونی ظرف پویایی، تلاش و حرکت به سوی فردا و فرداهاست، و این چنین پویایی و حرکتی بدون عنصر «انتظار» ممکن نیست؛ زیرا امید به تداوم حیات است که به زندگی کنونی معنا و مفهوم می بخشد، و پویایی و نیروی لازم برای ادامه آن را تأمین می کند. از این رو است که ماهیت زندگی با انتظار پیوستگی

ناگستنی دارد.

و لذا در روایات اسلامی می بینیم که انتظار فرج از افضل اعمال امت پیامبر شمرده شده است. یعنی ویژگی انتظار در عمل در راه رسیدن به حیات است. شاید یکی از علل این گونه آموزش ها این بوده است که پیروان امام مهدی علیه السلام بکوشند تا خود را به امامشان نزدیک کنند و مانند او بیندیشند و امت با امام در انتظار به سر برند، زیرا امام نیز در انتظار ظهور خود به سر می برد.

در حالت انتظار، بهترین شیوه پیوند و همسویی و همدلی با امام نهفته است، و غفلت از انتظار و معنای صحیح آن باعث بی خبری و بی احساسی نسبت به سوزها و شورهای امام موعود است. شاید در دوران غیبت، انتظار راستین برای فرج، یعنی حضور امام در جامعه انسانی، نخستین راه بیعت و هم پیمانی با امام موعود باشد؛ زیرا انتظار حضور در متن جریانها و حوادث پیش از ظهور است و مایه یادآوری هدفها و آرمانهای امام موعود و زمینه آگاهی و هوشیاری همیشگی است. و در حال انتظار نبودن به معنای غفلت و بی خبری و بی احساسی و بی تفاوتی نسبت به حوادث پیش از ظهور و اصل ظهور است.

جامعه منتظر، هر حادثه ای هر چند عظیم و ویرانگر، و هر عاملی هر چند بازدارنده و یأس آفرین، او را از تحقق هدفهای مورد انتظار مأیوس نمی کند و در راه آن هدفها از پویایی و تلاش باز نمی ایستد، و همواره به امام خود اقتدا می کند.

امامی که در برابر مشکلات شکننده و حوادث کوبنده قرنها و عصرها استوار و نستوه ایستاده است و ذره ای در اصالت راه و کار

خود تردید نکرده است.

حضرت مهدی علیه السلام فرمود: «... چون خدا با ما است، نیازی به دیگری نیست، حقانیت با ما می باشد و کناره گیری عده ای از ما هرگز سبب وحشت ما نخواهد شد.» (۱)

آری! امام مهدی علیه السلام در چنین انتظاری به سر می برد و با چنین ایمانی در این شب یلدای زندگی، استوار و تزلزل ناپذیر ایستاده است و جامعه «منتظر» و امت چشم به راه نیز باید این ویژگی ها را در امام موعود و «منتظر» خویش، نیک بشناسد، و تا حد امکان مانند خود او در انتظار باشد.

۱. الغیبة، طوسی، ص ۲۸۵، ح ۲۴۵؛ احتجاج، ج ۲، ص ۲۷۸؛ بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۷۸، ح ۹.

آیا تأخیر در فرج موجب قساوت قلب می‌شود؟

آنچه که بر هر مؤمنی بلکه بر هر انسانی لازم است، اینکه هیچ‌گاه از تأخیر فرج و ظهور منجی ناامید نباشد، بلکه باید به ریسمان صبر چنگ زده تا به سر منزل مقصود رهنمون شود. و این تنها از راه ایمان قلبی به خداوند متعال و اینکه او خُلف نمی‌کند، میسر است و نیز با سیر و بررسی سرگذشت امت‌های پیشین که چگونه بعد از هر شدت و گرفتاری شدید، خداوند آخر الأمر برای آنها آسایش و فرجی حاصل نمود، به دست می‌آید. و همچنین با مراجعه به فطرت و میل درونی خود که چگونه به ظهور منجی بشریت متمایل است می‌تواند خود را از یأس و ناامیدی رهانیده و به ظهور منجی امیدوار باشد.

در ذیل آیه شریفه «وَلَا يَكُونُوا كَالَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلُ فَطَالَ عَلَيْهِمُ الْأَمَدُ فَقَسَتْ قُلُوبُهُمْ»^(۱) از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمود: «تأویل این آیه برای مردم عصر غیبت است، و روزهای زمان غیبت غیر از روزهای اهل زمان‌های دیگر است. خداوند متعال شیعیان را از شک در حجت خود نهی کرده است و نیز نهی کرده از اینکه گمان کنند که خداوند زمین را یک چشم برهم زدن از حجت خالی می‌گرداند.»^(۲)

۱. سوره حدید، آیه ۱۶.

۲. الغیبة، نعمانی، ص ۲۴؛ المحجة، ص ۲۱۹ و ۲۲۰.

آیا انتظار طولانی فرج، خسته کننده و ملالت آور است؟

انتظار اگر از قسم مثبت آن باشد که همراه با آمادگی کامل منتظر برای ظهور حضرت مهدی علیه السلام است نه تنها ملالت آور نیست بلکه دائماً در انسان روحیه امید را شعله ور کرده و او را سر حال و زنده نگه می دارد. شخص منتظر دائماً در فکر آمدن محبوب خود است و این بهترین حالتی است که به او دست می دهد، او دائماً به عشق رسیدن محبوب خود شب را به روز و روز را به شب می رساند.

از طرفی دیگر، از آنجا که انتظار منجی حقیقی یعنی امام زمان علیه السلام در حقیقت یک نوع توسل و ارتباط باطن با او نیز هست لذا با این ارتباط هر لحظه فیوضاتی از ناحیه آن حضرت به انسان می رسد که او را از خستگی و ملالت بیرون می آورد.

بر انتظار موعود حقیقی آثار و برکاتی بسیار مترتب است که در جای خود به آن اشاره می نمایم.

چه آثاری بر انتظار منجی مترتب است؟

ضرورت و اهمیّت انتظار را می توان از زوایای مختلف مورد بررسی قرار داد:

۱- انتظار، دوره آمادگی و زمینه سازی برای یک نهضت به شمار می آید و هر انقلاب و حرکتی که این دوره را پشت سر گذاشته باشد ناقص و بی ثمر است.

۲- در اهمیّت انتظار همین بس که دشمنان، آن را مانع تسلط خود بر مسلمانان برشمرده اند. میشل فوکر، کلمبریر در بحث مبارزه با تفکر مهدی باوری، ابتدا قیام امام حسین علیه السلام و بعد انتظار امام زمان علیه السلام را دو عامل پایداری شیعه معرفی می کنند. در کنفرانس تل آویو نیز افرادی مثل برنارد لویس، مایکل ام جی، جنشر، برونبرگ و مارتین کرامر بر این نکته تکیه فراوان داشتند. آنان در توصیف شیعه گفته اند: «شیعیان به نام امام حسین قیام می کنند و به اسم امام زمان قیامشان را حفظ می نمایند»^(۱).

ماربین، محقق آلمانی می گوید: «از جمله مسائل اجتماعی بسیار مهمی که موجب امیدواری و رستگاری شیعه می باشد، اعتقاد به وجود حجت عصر و انتظار ظهور است»^(۲).

۳- دوران انتظار، دوران هجوم فتنه ها و مشکلات و گرفتاری ها است و آنچه می تواند آرامش قلبی و قدرت روحی به شیعه منتظر

۱. مجله بازتاب اندیشه، خرداد ۸۰، ص ۱۹۳.

۲. سیاست اسلام، اثر ماربین، ص ۴۹ و ۵۰.

بدهد، یاد منجی حی و حاضر است.

۴- پیراستن از خصایص ناپسند و آراستن خود به اخلاق نیکو از فواید دیگر انتظار است. امام صادق علیه السلام فرمود: «... هر کس دوست دارد که از یاران حضرت قائم علیه السلام گردد باید که منتظر باشد و در عین حال به پرهیزکاری و اخلاق نیکو مشغول گردد.»^(۱)

۵- از نتایج انتظار، تلاش فکری مؤمن منتظر و بصیرت و آگاهی اوست. فتنه‌ها علاوه بر آنکه غفلت می‌آورد، شبهه و تردید و تزلزل را نیز در افکار جامعه ایجاد می‌کند، و این منتظر واقعی است که چون به هوشیاری فکری رسیده، بیدار است و به شبهات پاسخ می‌گوید. امام صادق علیه السلام فرمود: «خوشا به حال کسی که در زمان غیبت قائم ما به فرمان ما تمسک جوید که در نتیجه قلب او هرگز به طرف باطل متمایل نخواهد شد.»^(۲)

۶- انتظار از آنجا که انسان را به عمل و اوست دارد و در جامعه‌ای که حالت انتظار منجی الهی حاکم است، متحرک و پویایی حکم فرماست و بشر را به زمینه‌سازی و اصلاح فردی و اجتماعی و اوست دارد، عاملی ارزشمند برای حفظ و بقای شریعت است.

۷- انتظار از آن جهت که متحرک عمل است، زمینه‌ساز ظهور منجی عالم بشریت خواهد بود.

۱. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۴۰، ح ۵۰.

۲. همان، ص ۱۲۳، ح ۶.

آیا ایمان به ظهور منجی نزد ادیان و ملل دیگر نیز وجود دارد؟

ایمان به ظهور منجی بشریت از وضع موجود و اقامه عدل و داد، فطری بشر است و لذا این عقیده در هر ملت و دینی وجود دارد.

محمد امین زین الدین می گوید: «شکی نیست که اعتقاد به اصلاح جامعه از وضعیت موجود، از ابتدای تاریخ بشر در ذهن مردم وجود داشته است و از عقاید اختصاصی دین اسلام نیست، زیرا در بین ادیان آسمانی قبل از ظهور اسلام مشاهده می کنیم که همگی خبر از وقوع این حقیقت داده اند و حتی صفات مصلح و راه کارهای اصلاحی او را نیز بیان کرده اند، گرچه نام او را مهدی و دعوت اصلاحی او را به نام مهدویت نگذاشته اند... این عقیده و فکر حتی به ادیان دیگر از قبیل زردشتی و برهمنی و... نیز سرایت کرده است...» (۱).

در بین ادیان آسمانی و آیین های شبه دینی و ملت ها، می توان از اینها

نام برد:

۱- یهود به بازگشت عزیر یا منحاس بن عازر بن هارون اعتقاد دارد.

۲- مسیحیت با ایمان به بازگشت عیسی علیه السلام.

۳- زردشت با ایمان به بازگشت بهرام شاه.

۴- هندوها با ایمان به بازگشت فیشنوا.

۵- مجوس با ایمان به بازگشت اوشیدر.

۶- بودایی ها در انتظار ظهور بودا.

و... (۲)

۱. مع الدكتور احمد امین فی حدیث المهدی والمهدیه، ص ۱۱.

۲. الامامة و قیام القیامة، ص ۲۷۰ و ۲۷۱؛ العقیده و الشریعة فی الاسلام، ص ۱۹۲.

آیا عقیده مهدویت مورد اجماع مسلمین است؟

عقیده به مهدویت از عقایدی است که مسلمانان با اختلافات مذهبی که دارند بر آن اتفاق دارند، و هرگز به مذهب خاصی اختصاص ندارد، زیرا جمیع شیعه امامیه، زیدیه، مالکی ها، حنفی ها، شافعی ها، حنبلی ها و وهابیان بر این مسأله اتفاق نظر دارند که شخصی از عترت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله قیام کرده و زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد، آن گونه که پر از ظلم و جور شده باشد.

جماعتی از علمای اهل سنت تصریح کرده اند که این عقیده مورد اتفاق مسلمین است و حتی برخی از فقهای اهل سنت به وجوب قتل منکر آن فتوا داده اند.

شهید صدر رحمته الله می فرماید: «به راستی اعتقاد به حضرت مهدی علیه السلام به عنوان پیشوای منتظر برای تغییر جهان به جهانی بهتر، در احادیث پیامبر صلی الله علیه و آله به طور عموم و در روایات اهل بیت علیهم السلام به طور خصوص آمده است و به حدی به این مسئله تأکید شده که جای هیچ شکی را برای انسان باقی نمی گذارد...» (۱)

شیخ عبدالمحسن بن حمد العباد می گوید: «همانا کثرت احادیث مهدی علیه السلام و تعدد طرق آنها و اثبات آنها در کتاب های اهل سنت به حدی است که بسیار دشوار به نظر می رسد که بتوانیم بگوییم حقیقتی ندارند، مگر اینکه کسی جاهل بوده یا اهل جدل باشد، یا دقت در

- سندهای آنها نکرده باشد و بر کلام بزرگان اهل علم واقف نباشد...» (۱)
- شیخ عبدالعزیز بن عبدالله بن باز می گوید: «پس امر مهدی علیه السلام معلوم و احادیث در آن مستفیض بلکه متواتر و تقویت کننده یکدیگرند، و جماعتی از اهل علم ادعای تواتر آنها را نموده اند...» (۲)

۱. عقیده اهل السنة و الأثر فی المهدی المنتظر، مجله جامعة اسلامية، شماره ۳.
۲. همان.

اگر موضوع مهدویت حضرت مهدی علیه السلام واضح بوده، چرا عده‌ای به مهدویت غیر او معتقد شدند؟

اگر چه در برخی از احادیثی که از جانب رسول خدا صلی الله علیه و آله و اهل بیت او درباره خروج مهدی علیه السلام وارد شده، تصریح شده که او قطعاً فرزند امام عسکری علیه السلام امام یازدهم است، ولی برخی هنگامی که ظلم و تجاوز را زیاد می‌دیدند و از طرفی همه اهل بیت را هدایت شده و هادی می‌دانستند، گاهی به امید اینکه یکی از اهل بیت، مهدی امت است به سراغ او می‌آمدند و ادعای مهدویت در حق او می‌کردند و جماعتی را نیز به دنبال خود می‌کشیدند. این افراد غالباً از انسان‌های ساده اندیش و جاهل بودند، و در برخی از موارد مسأله سیاسی نیز در این ادعا دخالت داشته است.

۲- کسانی که چنین ادعایی داشته‌اند هرگز دوام نیاورده و بعد از مدت کوتاهی به جرگه عموم شیعیان پیوسته و یا منقرض شده‌اند.

۳- میزان در عقیده یک مذهب، نظر غالب افراد و علمای آن مذهب است. و می‌دانیم که عقیده به مهدویت حضرت مهدی علیه السلام فرزند امام عسکری علیه السلام عقیده قریب به اتفاق شیعیان به حساب می‌آید.

۴- در برخی از موارد که گروهی قائل به مهدویت غیر از حضرت مهدی علیه السلام شدند به جهت شبهه‌ای بوده که برای آنها پدید آمده است؛ زیرا موقعیت آن عصر چنین حیرت و تردیدی را اقتضا داشته است، گرچه این حیرت نیز بعد از مدت کوتاهی برطرف گشت.

چرا خداوند امامت را در کودک قرار داد؟

برخی ممکن است سؤال کنند: چه ضرورتی دارد که کودک امام باشد در حالی که مورد شک و تردید عده‌ای قرار می‌گیرد؟

پاسخ: ممکن است عواملی چند در این انتخاب مؤثر باشد:

۱- امتحان مردم؛ زیرا با اثبات امامت طفل از راه معجزه و جهات دیگر، انسان مورد امتحان قرار می‌گیرد که چگونه در برابر حق تسلیم گردد، همان گونه که حضرت عبدالعظیم حسنی مورد امتحان قرار گرفت.

۲- برای اثبات اینکه امامت این شخص از جانب خداوند است؛ زیرا اگر امامان تنها در بزرگسالی به مقام امامت نایل می‌شدند، ممکن بود کسانی گمان کنند که مقامات و کمالات آنان همگی اکتسابی است ولی در طفل صغیر هیچ گاه این گمان برده نمی‌شود. و اگر طفلی فضایی در حد امامت داشت شکی نیست که از جانب خداوند است.

۳- برای اثبات اینکه مقام و منزلت بر اساس لیاقت است نه بزرگی سن، چنان که در جریان فرماندهی اسامه بن زید چنین بود، در حالی که عده‌ای از صحابه بر عزل او اصرار داشتند پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به جهت لیاقت وی، اصرار بر فرماندهی او داشت.

۴- از آنجا که تا امام رضا علیه السلام امامان را یکی پس از دیگری به شهادت می‌رساندند، سنت الهی بر این قرار گرفت که از امام جواد علیه السلام امامت در سنین پایین قرار گیرد تا اینکه حاکمان جور و ظلم امامت آنان را باور نکرده و آنها را نکشند، تا اینکه نوبت به امام زمان علیه السلام رسید و از آنجائی

که دشمنان اهل بیت متوجه شده و به این امر واقف شدند که امامت در سنین کودکی نیز ممکن است، لذا قصد داشتند تا حضرت مهدی علیه السلام را از همان ابتدای ولادت به قتل برسانند، لذا خواست خداوند بر این تعلق گرفت که او را از هنگام ولادت در پشت پرده غیبت نگه دارد.

چرا امام زمان علیه السلام از همان کودکی در اختفا به سر بردند؟

برخی سؤال می‌کنند که چرا امام زمان علیه السلام از همان ابتدای کودکی در اختفا به سر بردند در حالی که وظیفه امام، حضور در میان مردم و ارشاد آنان است؟ و به تعبیر دیگر: چرا امام عسکری علیه السلام فرزند خود را از هنگام ولادت از مردم مخفی داشت؟

پاسخ: شکی نیست که فشار سیاسی بر امام عسکری علیه السلام و کنترل آن حضرت برای دسترسی به فرزندش حضرت مهدی علیه السلام به حدی شدید بود که به شیعیان و اصحاب خود سفارش نموده بود حتی کسی در ملا عام بر او سلام نکند یا با دست به او اشاره ننماید؛ زیرا در این صورت در امان نخواهد بود. ^(۱)

کار به جایی رسیده بود که امام عسکری علیه السلام برای ملاقات با اصحاب خود کسی را به سراغ آنها می‌فرستاد و می‌فرمود: «بعد از وقت عشا در فلان موضع و فلان خانه، در فلان شب جمع شوید که مرا در آنجا خواهید دید.» ^(۲)

با وجود همین فشارهای سیاسی بود که حضرت نظام و کالت را دنبال نمود تا هم بتواند به نیازهای مردم رسیدگی کند و هم از گرفتاری‌هایی که از ناحیه ملاقات‌ها برای مردم حاصل می‌شد، بکاهد. در این موقعیت حساس، امام زمان علیه السلام متولد شد. کسی که حجت خدا در روی زمین بعد از امام عسکری علیه السلام خواهد بود. او دوازدهمین

۱. بحار الأنوار، ج ۵۰، ص ۲۶۹، ح ۳۴.

۲. بحار الأنوار، ج ۵۰، ص ۳۰۴، ح ۸۰.

امامی خواهد بود که رسول خدا ﷺ و عده تولدش را داده که با ظهورش در آخرالزمان زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد. کسی که در حالی قیام می کند که بیعت کسی را بر گردن ندارد. آیا چنین امامی نباید از ابتدای ولادت و حتی از هنگام به امامت رسیدن، از دید عموم مردم و خصوصاً حاکمان جور که در صدد قتل او بودند مخفی باشد هر چند که در میان مردم است و با آنان زندگی می کند؟.

غیبت صغرا از چه زمانی آغاز شد؟

در اینجا دو نظریه وجود دارد:

نظریه اول اینکه: غیبت صغرا از زمان ولادت حضرت مهدی علیه السلام بوده؛ زیرا ولادت حضرت در اختفا و پنهانی بوده است. ولی این نظریه مورد مناقشه واقع شده، زیرا بحث در غیبت امام است و در آن هنگام حضرت به مقام امامت نرسیده بود. خصوصاً آنکه جماعت زیادی از شیعیان، حضرت را در آن پنج سال قبل از شهادت حضرت عسکری علیه السلام مشاهده کرده اند.

نظریه دوم اینکه: غیبت حضرت از زمان شهادت پدرش امام عسکری علیه السلام بوده است. و به طور دقیق می توان گفت که بعد از نماز خواندن بر جنازه پدرش، در آن قضیه ای که ابوالادیان بصری نقل می کند. ^(۱)

۱. کمال الدین، ص ۴۷۴-۴۷۶؛ بحار الأنوار، ج ۵۰، ص ۳۳۲.

برای غیبت امام مهدی علیه السلام چه زمینه‌سازی از جانب امامان انجام گرفت؟

موضوع غیبت امام تجربه جدیدی برای امت بود، تجربه‌ای که به این مقدار از غیبت هرگز هیچ امتی به چشم خود ندیده بود، لذا امت و جامعه شیعی احتیاج مبرم به زمینه‌سازی برای ورود به آن داشت. به همین جهت اهل بیت علیهم السلام و حتی رسول خدا صلی الله علیه و آله همگی به طور مکرر به موضوع غیبت امام دوازدهم اشاره صریح داشته‌اند. همان گونه که غیبت صغرا قبل از شروع غیبت کبرا نیز به جهت زمینه‌سازی و ایجاد انس در بین مردم برای ورود به غیبت کبرا بوده است.

همچنین، در بسیاری از روایات به این موضوع اشاره شده است؛ ابن عباس در حدیثی از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل می‌کند که فرمود: «... و از صلب حسین امامانی قرار داد که به امر من قیام کرده و وصیت مرا حفظ خواهند نمود، نهمین از آنها قائم اهل بیت من و مهدی امت من است. او شبیه‌ترین مردم به من در شمایل و اقوال و افعال است. بعد از غیبتی طولانی و حیرتی گمراه‌کننده ظهور خواهد کرد، آن گاه امر خدا را اعلان کرده و دین او را ظاهر خواهد نمود...» (۱).

امام علی علیه السلام نیز از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کرده که فرمود: «... آن گاه امامشان از میان آنها تا هر زمان که خدا بخواهد غایب خواهد شد. و برای او دو غیبت مقرر شده که یکی از آن دو از دیگری طولانی‌تر است...» (۲).

۱. کمال‌الدین، ص ۲۵۶؛ بحار الأنوار، ج ۳۶، ص ۲۲۷، ح ۳.

۲. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۸۰.

جابر بن عبدالله انصاری از رسول خدا صلی الله علیه و آله پرسید: «آیا برای قائم از اولاد تو غیبت است؟ فرمود: آری به خدا سوگند. آن گاه این آیه را قرائت نمود: ﴿وَلَيَمَحَّصَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا وَيَمْحَقَ الْكَافِرِينَ﴾ (۱)؛ (۲)

۱. سوره آل عمران، آیه ۱۴۱.
۲. همان، ج ۵۱، ص ۷۳، ح ۱۸؛ کمال الدین، ص ۲۸۷.

وجود امام مهدی علیه السلام را در دوران غیبت صغرا چگونه می توان ثابت نمود؟

حضرت علیه السلام با قطع نظر از زمینه سازی هایی که امامان قبل برای تثبیت مسأله ولادت و امامت و غیبت او داشتند، خود نیز به شخصه در این مسأله دخالت کرده و از راه های مختلف در صدد اثبات ولادت و امامت خود برآمدند. اینک به برخی از این راه ها اشاره می کنیم:

۱- حضرت کاری کردند که گروهی از بزرگان شیعه بتوانند به ملاقاتش شرفیاب شوند.

۲- در مواقع ضروری اقدام به انجام کرامت و معجزه می نمود. این معجزات بعضاً توسط سفرا و در برخی موارد نیز توسط خود حضرت انجام می گرفت. (۱)

۳- آن حضرت شخصاً در صدد پاسخ به سؤال های مختلف مردم بر می آمد تا اعتقاد و یقینشان نسبت به او بیشتر گردد.

۴- خطّ خاصّ حضرت نیز از جمله قرائن و دلایلی بود که می توانست بر وجود امام عصر علیه السلام دلالت کند؛ زیرا این خطّ در زمان پدرش امام عسکری علیه السلام بین مردم مانوس بوده است، و لذا از جمله راه هایی بود که با رسیدن توقیعات از ناحیه مقدّسه، شیعیان به وجود امام زمان خود یقین و اطمینان پیدا می نمودند.

چهار نایب حضرت علیه السلام چه کسانی بودند و چه وظایفی داشتند؟

اول عثمان بن سعید: او مورد وثوق امام عسکری علیه السلام بوده و امام مهدی علیه السلام نیز بر منصبش تصریح نموده است.

سپس فرزندش محمد بن عثمان نیز که او منصوب از طریق پدرش شد و غیر از آنکه مورد وثوق امام عسکری بوده، از طرف امام زمان علیه السلام نیز بر این امر نیابت خاصه داشته است.

سوم حسین بن روح که از طرف محمد بن عثمان به این سمت منصوب شد، و او نیز علی بن محمد سَمَری را بر این مقام منصوب کرد. وظایف و محور کلی فعالیت‌های نواب اربعه بدین قرار است:

۱ - زدودن شک و حیرت مردم درباره وجود امام مهدی علیه السلام

مهم‌ترین وظیفه‌ای که نواب اربعه به ویژه سفیر اول یعنی عثمان بن سعید عَمَری بر عهده داشت این بود که برای شیعیان ثابت کند، امام عسکری علیه السلام فرزندی دارد که اکنون امام است و او نایب خاص آن حضرت می‌باشد.

۲ - حفظ امام مهدی علیه السلام از راه پنهان داشتن نام و مکان آن

حضرت

امام مهدی علیه السلام در توقیعی به محمد بن عثمان بن سعید عَمَری بیان داشت که از ذکر نام و نشان آن حضرت خودداری کند و در جهت پنهان

داشتن نام و مکان آن حضرت بکوشد. (۱)

ابوسهل نوبختی در جواب این سؤال که چرا تو سفیر ناحیه مقدسه نشدی؟ فرمود: «من نمی توانم مانند حسین بن روح سرنگهدار باشم». (۲)

۳- سازماندهی و سرپرستی سازمان وکالت

از طریق این سازمان، شیعیان پرسش‌ها و شبهات دینی خود را با وکلا در میان می گذاشتند و آنان به واسطه سفیر از ناحیه مقدسه پاسخ را به شیعیان می رساندند، و نیز وجوه شرعی خود را به وکلا می دادند و وکلا آن را به مسئول سازمان تحویل می دادند.

۴- پاسخ‌گویی به پرسش‌های فقهی و مشکلات عقیدتی

آنان گاهی پرسش‌های فقهی و مسائل مستحدثه شیعیان را به عرض امام مهدی علیه السلام می رساندند و پاسخ آن را دریافت و به شیعیان ابلاغ می کردند. (۳)

۵- اخذ و توزیع اموال متعلق به امام مهدی علیه السلام

امام مهدی علیه السلام در روز بعد از رحلت امام حسن عسکری علیه السلام و یا در همان روز، بعد از مراسم خاک سپاری امام عسکری علیه السلام به هیئت قمی‌ها دستور داد که از این به بعد، اموال متعلق به آن حضرت را به وکیلش در بغداد (ابوعمر و عثمان بن سعید عمری) تحویل دهند. (۴)

۶- مبارزه با غلات و مدعیان دروغین نیابت و بابت

در راستای همین وظیفه، در این دوره هفتاد ساله هر کسی که به

۱. همان، ص ۲۲۲.
 ۲. همان، ص ۲۴۰.
 ۳. اعلام الوری، ص ۴۵۲.
 ۴. کمال الدین، ص ۴۷۸.

دروغ ادعای بابیت و وکالت نمود، مثل حلاج، شلمغانی و دیگران، با آنان به مبارزه برخاستند و از ناحیه مقدسه توقیعاتی به واسطه آنان صادر شد، و با روشن شدن ماهیت آنان، شیعیان امامیه از این نوع انحرافات مصون ماندند و به سفارت نواب اربعه و وکالت بیشتر اعتماد نمودند.

۷- مبارزه با وکلای خائن

گاهی برخی از وکلا منحرف می شدند و از وظایف اصلی خود عدول می کردند. در این صورت مشکلاتی را برای سازمان مخفی وکالت به وجود می آوردند، و گاهی وجوه شرعی را نزد خود نگه می داشتند، در این صورت نواب اربعه هر کدام به نوبه خود مسئولیت داشتند تا با آن وکیل خائن مبارزه کنند.

۸- آماده سازی مردم برای پذیرش غیبت کبرا

این وظیفه بیش از همه بر دوش ابوالحسن علی بن محمد سمری آخرین سفیر امام مهدی علیه السلام سنگینی داشت. از این رو امام مهدی علیه السلام از راه اعجاز به او کمک کرد و شش روز قبل از مرگش توقیعی صادر نمود و زمان دقیق وفات وی را بیان داشت تا اینکه حجت بر همگان تمام شود و اذهان، آماده پذیرش دوره دیگری از غیبت آن حضرت باشد.

ملاک و معیار انتصاب نواب اربعه چه بوده است؟

امامان معصوم علیهم السلام بر اساس حکمت رفتار می کردند و قطعاً در نصب‌ها یک سری معیارها و ملاک‌هایی را مد نظر داشتند از قبیل:

۱ - تقیه و رازداری در حدّ بالا

سفیر اول حضرت، عثمان بن سعید برای رعایت تقیه می‌کوشید تا خود را از بازرسی‌های رژیم عباسی دور نگه دارد. او بدین منظور در هیچ بحث و مجادله مذهبی یا سیاسی به صورت آشکار درگیر نمی‌شد. (۱)

حسین بن روح نیز در راستای رعایت و حفظ تقیه، یکی از خدمتگزاران خود را تنها به این دلیل که معاویه را لعن نمود عزل و اخراج کرد. (۲)

۲ - صبر و استقامت بسیار عالی و ممتاز

عده‌ای از ابوسهل نوبختی پرسیدند: چرا تو نایب خاص حضرت نشدی؟ او در جواب گفت: «آنان (امامان علیهم السلام) بهتر از همه می‌دانند که چه کسی لایق این مقام است. من آدمی هستم که با دشمنان رفت و آمد دارم و با آنان مناظره می‌کنم. اگر آنچه را که ابوالقاسم حسین بن روح درباره امام مهدی علیه السلام می‌داند من می‌دانستم، شاید در بحث‌هایم با دشمنان، آن‌گاه که جدال و لجاجت آنان را می‌دیدم، می‌کوشیدم تا دلایل بنیادی را بر وجود امام ارائه دهم و در نتیجه محل اقامت او را

۱. تاریخ سیاسی غیبت امام دوازدهم، دکتر جاسم حسین، ص ۱۴۹.

۲. الغیبة، طوسی، ص ۲۳۷.

بر ملا می ساختم. اما اگر ابوالقاسم حسین بن روح، امام رازیر عبای خود پنهان داشته باشد، و بدنش را با قیچی قطعه قطعه کنند تا امام مهدی علیه السلام را نشان دهد، هرگز عبای خود را کنار نمی زند و امام را نشان نمی دهد»^(۱).

۳ - نسبت به دیگران فهمیده تر بودن

شیخ طوسی در کتاب «الغیبة» به فهم و درایت آنان اشاره کرده است.^(۲)

۴ - حساس نبودن حکومت نسبت به آنان

امام مهدی علیه السلام در انتخاب نایبان خاص خود از افرادی استفاده می کرد که در دستگاه ظالمان عباسی نسبت به آنها حساسیتی نباشد، چون نیابت خاص، کاری بود بسیار مخفی و مبهم و مهم؛ و لذا هر یک از آنان دارای شغل بوده، کاسبی می کرده اند تا شناخته نشوند.

۱. الغیبة، طوسی، ص ۲۴۰؛ بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۲۵۹.

۲. همان، ص ۲۳۶.

چه عواملی باعث شد برخی ادعای سفارت دروغین از طرف حضرت نمایند؟

هنوز مدتی از عهد سفارت ناحیه مقدسه نگذشته بود که این دستگاه مقدس مبتلا به مصیبت مدعیان دروغین سفارت گشت. آنان از این ادعای دروغین خود اهدافی را دنبال می نمودند که عبارت بود از:

- ۱- از آنجا که ایمان ضعیفی داشتند با این ادعا در صدد انحراف مردم و جامعه شیعی بودند.

- ۲- طمع به دست آوردن اموال مردم و حقوق شرعی، زیرا از آنجا که امام زمان علیه السلام در غیبت به سر می بردند اینها می توانستند در اموال تصرف نمایند.

- ۳- گسترش موقعیت خود در جامعه، زیرا با این ادعا و انتساب خود به امام مهدی علیه السلام در صدد گسترش شهرت خود بر می آمدند.

مدعیان دروغین سفارت چه کسانی بوده‌اند؟

شروع تزویر در امر سفارت به عصر سفیر دوّم محمد بن عثمان عمّری باز می‌گردد؛ زیرا پدر او عثمان بن سعید به قدری معروف بود که هیچ کس جرأت معارضه با او را نداشت.

اول کسی که ادعای سفارت دروغین نمود ابو محمد شریعی بود. (۱)
و بعد از او محمد بن نصیر نمیری (۲) و احمد بن هلال کرخی (۳)
و ابوطاهر محمد بن علی بن بلال بلالی (۴) و ابوبکر محمد بن احمد بن عثمان بغدادی و اسحاق احمر (۵) و مردی معروف به باقطنی (۶).

برخی از آنان در ابتدا از مردان صالح بودند ولی به جهات مختلف راه انحراف را پیشه نمودند. سفیر دوم با تمام قدرت به مقابله با آنها پرداخت، و نیز از ناحیه مقدسه توقیعات و بیانات شدید در لعن و تبری از آنان صادر شد که دلالت بر دروغگویی و سوء باطن آنان داشت.

در زمان سفارت حسین بن روح - سفیر سوم - مصیبت در این زمینه بیشتر شد، زیرا شخصی به نام محمد بن علی شلمغانی غزافری ادعای سفارت نمود و بیشترین تأثیر را در انحراف جامعه به جای گذاشت. (۷)
او گرچه در ابتدای امر، مردی مؤمن به نظر می‌رسید و وکیل حسین بن روح بود، ولی عاقبت به انحراف کشیده شد. آخرین کسی که ادعای دروغین سفارت داشت ابودلف کاتب بود که بر این ادعای خود تا بعد از وفات سمّری - سفیر چهارم - باقی بود.

۲. همان، ص ۳۶۷.

۴. همان، ص ۳۶۹.

۶. همان.

۱. بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۳۶۷.

۳. همان، ص ۳۶۸.

۵. همان، ص ۳۰۱.

۷. الغیبة، طوسی، ص ۳۰۳.

توقیع به چه معناست؟

توقیع در لسان روایات، مطابق با مفهوم می است که عرف آن را به کار گرفته است، و آن عبارت است از کلمات کوتاه که بزرگان، ذیل نامه های رسیده و عریضه ها مکتوب می داشتند، و با آن خواسته سائل را برآورده می نمودند. در نتیجه توقیعات حضرت مهدی علیه السلام همان مطالبی بود که حضرت به خط مبارک خود در جواب سؤال ها و عریضه ها ذیل نامه ها مرقوم می داشتند و توسط یکی از سفرابه صاحبان نامه ها باز می گرداندند.

اگر چه به لحاظ معنای اصطلاحی، «توقیع» در معنا و مفهوم آن سؤال از مسأله ای نهفته است ولی در برخی موارد بر بیانات حضرت که به صورت ابتدایی صادر می شد - اگر چه از آن سؤال نشده بود - نیز توقیع اطلاق شده است.

از مجموعه روایات استفاده می شود که برخی توقیعات به خط خود حضرت بوده، و برخی نیز به خط سفرابه دستور امام علیه السلام بوده است.

اسحاق بن یعقوب می گوید: «توسط محمد بن عثمان عمری مسائل مشکلی را به ناحیه مقدسه فرستادم و جوابش را به دست خط مبارک امام زمان علیه السلام دریافت داشتم»^(۱).

محمد بن عثمان عمری می گوید: «از ناحیه مقدسه توقیعی صادر شد که خطش را خوب می شناختم»^(۲).

شیخ صدوق رحمته الله می فرماید: «توقیعی که به خط امام زمان علیه السلام برای پدرم صادر شد اکنون نزد من موجود است»^(۱).

از این روایات معلوم می شود که توقیعات، قرائن و شواهد صدق به همراه داشته و یا اصحاب حضرت، دست خط او را می شناختند، و لذا مورد قبول آنان قرار می گرفته است. لیکن در مقابل، روایاتی وجود دارد که برخی توقیعات به خط حضرت نبوده بلکه به خط سفیران و به امر حضرت نوشته شده است.

با توجه به فراگیری ظلم و فساد در عالم، چرا امام ظهور نمی‌کند؟

غالب احادیثی که اشاره به عملکرد حضرت مهدی علیه السلام بعد از ظهور دارد به این نحو است که خداوند به توسط حضرت، عالم را از عدل و داد پر می‌کند همان طوری که زمین پر از ظلم شده باشد که این در حقیقت تشبیه است نه شرطیت و علیّت، یعنی ظلم و فساد علت ظهور باشد.

به تعبیر دیگر: فساد، هدف نیست، بلکه آمادگی، هدف است. بر خلاف آنچه برخی تصور می‌کنند آنچه برای تسریع ظهور مصلح جهانی لازم است، وجود ظلم و فساد در سراسر زمین نیست، بلکه یک آمادگی و تشنگی لازم است. البته نمی‌توان انکار کرد که افزایش ظلم و فساد یکی از علل آمادگی و تشنگی خواهد بود، زیرا هنگامی که مردم جهان ثمره تلخ و شوم تبعیض‌ها و بی‌عدالتی‌ها را بچشند، ناراحت می‌شوند و در جست‌وجوی یک طریق اصلاح و یافتن یک مصلح جهانی گام برمی‌دارند.

در نتیجه، باید گفت: هسته اصلی زمینه برای ظهور، آمادگی و آگاهی از عواقب وضع نابسامان امروز دنیا است، نه اینکه وجود ظلم و فساد هدف اصلی باشد.

مقصود از نیابت عامه در عصر غیبت کبرا چیست؟

مقصود از نیابت عامه این است که امام علیه السلام ضابطه‌ای کلی به دست می‌دهد تا در هر عصر، فرد شاخصی که آن ضابطه از همه جهات و در همه ابعاد بر او صدق می‌کند نایب امام شناخته شود و در جامعه، نماینده او گردد.

بنابراین، کسانی که در دوره غیبت صغرا نیابت داشتند و با اسم و رسم معرفی شده بودند «نایب خاص» نامیده می‌شوند.

بر اساس روایات وارده در این باب، مقام نیابت عامه به وسیله خود امامان علیهم السلام به ویژه حضرت حجت علیه السلام به فقیه جامع شرایط تفویض شده است، که از آن جمله می‌توان به این روایت اشاره کرد:

اسحاق بن یعقوب بعد از طرح مسائلی از حضرت مهدی علیه السلام جواب آنها را طلب می‌کند. امام در توقیعی که در ذیل آن نامه به وسیله نایب دوم خود محمد بن عثمان عمّری می‌فرستد، از جمله مسائلی که در آن اشاره کرده اینک: «اما در حوادثی که پیش می‌آید به راویان حدیث ما مراجعه کنید، زیرا آنان حجت من بر شمایند...»^(۱)

۱. کمال‌الدین، ص ۴۸۴؛ الغیبة، طوسی، ص ۱۷۷.

چرا با شنیدن نام «قائم» از جابر می خیزیم؟

حاجی نوری می نویسد: در خبری از امام صادق علیه السلام نقل شده است: روزی در مجلس امام صادق علیه السلام نام مبارک حضرت مهدی علیه السلام برده شد، امام صادق علیه السلام به جهت تعظیم و احترام از جای برخاست. (۱)

و نیز در روایت آمده که دعبل خزاعی بعد از آنکه ابیاتی راجع به حضرت مهدی علیه السلام نزد امام رضا علیه السلام قرائت کرد، حضرت از جای برخاست... (۲)

میرزای نوری می گوید: وقتی نام حضرت حجة بن الحسن علیه السلام در مجلس امام رضا علیه السلام برده شد، آن حضرت از جای برخاست و دو دست مبارکش را روی سر گذاشت و فرمود: «اللهم عجل فرجه وسهل مخرجه». (۳)

از امام صادق علیه السلام سؤال شد: چرا هنگام شنیدن نام امام زمان علیه السلام از جای خود برمی خیزیم؟ حضرت فرمود: چون غیبت حضرت مهدی طولانی است. و امام از شدت محبتی که به دوستان خود دارد هر زمانی که شخصی او را یاد کند نگاهی به او می نماید و سزاوار است که یاد کننده به جهت احترام و تعظیم، از جای خود برخیزد. هنگامی که مولای خویش او را به نظر مهر و عطوفت نگاه می کند، پس از جای خود برخیزد و از خدای تبارک و تعالی تعجیل فرج ایشان را بخواهد. (۴)

۱. نجم الثاقب، ص ۴۴۴.

۲. منتخب الأثر، ص ۵۰۵.

۳. همان.

۴. همان.

منظور از مهدویت نوعی و شخصی چیست؟

گاهی در تعبیرات از مهدویت شخصی و نوعی استفاده می‌شود، مثلاً گفته می‌شود: اهل سنت مهدویت نوعی را قبول دارند و شیعه امامی مهدویت شخصی را، مقصود از این دو چیست؟ شیعه قائل به مهدویت شخصی است؛ یعنی معتقد است به اینکه مهدی موعود علیه السلام شخصی است معین که متولد شده و تاکنون زنده است و در آینده ظهور خواهد کرد، و او کسی جز فرزند امام حسن عسکری علیه السلام نیست.

ولی اهل سنت معتقد به مهدویت نوعی است؛ یعنی معتقد است که در آخرالزمان شخصی از ذریه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به نام مهدی متولد شده، و ظهور خواهد کرد. و اوست کسی که زمین را پر از عدل و داد خواهد نمود همان گونه که پر از ظلم و جور شده باشد، گرچه وجود خارجی ندارد.

تعبیر مهدی نوعی و شخصی کاربرد دیگری نیز دارد که نزد عرفا متداول است. برخی از عرفای اهل سنت همچون مولوی معتقدند به اینکه در هر زمانی باید یک مهدی موجود باشد خواه از نسل علی و خواه از نسل عمر.

مقصود آنان از مهدی، همان قطب عالم امکان است، ولی شیعه قائل است که در هر زمان باید امام معصوم موجود باشد، زیرا بدون آن زمین مضطرب خواهد شد.

آیا این گونه غیبت در بین انبیاء پیشین هم بوده است؟

غیبت و دوری حجت خدا از بین مردم امری تازه و جدید نیست که در این امت آن هم در آخرین وصی پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله تحقق پیدا کرده باشد، بلکه سستی الهی بوده که حتی در بین انبیا نیز پیدا شده است. اینک به اسامی برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

۱- حضرت ادریس علیه السلام

مطابق برخی روایات، ادریس پیامبر به جهت مشاجره‌ای که بین او و جباران زمانش ایجاد شد، بیست سال از میان امتش غایب شد و در کوه‌ها و غارها به سر می‌برد. خداوند ملکی را موکل بر او نموده بود تا هنگام غروب آفتاب افطاری او را حاضر کند...^(۱)

۲- حضرت صالح علیه السلام

صدوق رضی الله عنه به سندش از امام صادق علیه السلام نقل کرده که فرمود: «همانا صالح علیه السلام مدتی از قومش غایب شد. هنگام غیبت پیرمردی بود... و وقتی که به قومش بازگشت کسی او را به چهره نمی‌شناخت...»^(۲)

۳- حضرت ابراهیم علیه السلام

حضرت ابراهیم علیه السلام نیز بنابر نقل روایات، مدتی از ابتدای ولادت تا سال‌های زیادی مخفی بود و امر خود را کتمان می‌کرد تا آنکه خداوند او را مأمور به ابلاغ رسالتش نمود.^(۳)

۴- حضرت موسی علیه السلام

صدوق نقل می‌کند: «... حضرت موسی علیه السلام از شهر مصر به مدین

۱. کمال الدین، ج ۱، ص ۱۳۰، ح ۱؛ سعد السعود، ص ۱۲۵.
 ۲. کمال الدین، ص ۱۳۶ و ۱۳۷.
 ۳. کمال الدین، ج ۱، ص ۱۲۸.

فرار کرده، در آنجا مدّت زیادی نزد حضرت شعیب علیه السلام اقامت نمود...» (۱)

۵- حضرت شعیب علیه السلام

مجلسی به سندش از امام علی علیه السلام نقل کرده که فرمود: «شعیب پیغمبر قومش را به سوی خدا دعوت کرد تا پیر شد و استخوان‌هایش ضعیف شد. آن گاه تا مدتی که خواست خدا بود از میان مردم غایب شد و سپس در حالی که جوان شده بود به سوی آنها بازگشت...» (۲)

۶- حضرت الیاس علیه السلام

قطب‌راوندی نقل می‌کند که حضرت الیاس علیه السلام از میان قومش هفت سال غایب شد، در آن مدّت در صحراها و بیابان‌ها متواری بود. (۳)

۷- حضرت دانیال نبی علیه السلام

صدوق رحمه الله می‌گوید: «دانیال نبی ۹۰ سال از میان قومش غایب و اسیر دست بخت‌النصر بود و پیروانش همگی در این مدّت انتظارش را می‌کشیدند.» (۴)

۸- حضرت عیسی علیه السلام

حضرت عیسی علیه السلام دو نوع غیبت داشته است: یکی در مدّت ۱۲ سال در سرزمین‌های شام و مصر و دیگر از هنگامی که خواستند او را به دار آویزند، تا هم اکنون که بیش از دو هزار سال از عمر او می‌گذرد و هنوز زنده است. وی هنگام ظهور حضرت مهدی علیه السلام برای تشکیل حکومت عدل جهانی ایشان را مساعدت خواهد نمود.

۲. بحار الأنوار، ج ۱۲، ص ۳۸۵، ح ۱۰.

۴. کمال الدین، ج ۱، ص ۳۸۵، ح ۱۰.

۱. کمال الدین، ج ۱، ص ۱۴۵.

۳. قصص راوندی، ص ۲۴۸.

آیا خداوند نمی توانست حضرت مهدی علیه السلام را بدون غیبت حفظ نماید؟

در پاسخ می گوئیم:

اولاً: اعجاز، در نظام طبیعت و تکوین خلاف اصل است، مگر آنکه ضرورتی اقتضا کند و در مورد حضرت مهدی علیه السلام اراده خداوند بر این تعلق گرفته که محافظت حضرت از راه غیبت باشد.

ثانیاً: مصالح و مفاسد و تقدیرات الهی به تبع واقعیت های الهی تغییر پیدا می کند. خداوند متعال برای امت اسلامی یازده امام معصوم به جهت هدایتشان فرستاد، ولی یکی پس از دیگری آنان را به شهادت رساندند و با این عملکرد بد و کارنامه سوئی که از خود نشان دادند تقدیر خداوند بر این تعلق گرفت که امام دوازدهم را تا مدتی در پشت پرده غیبت قرار دهد تا محرومیت غیبت امام را احساس کنند و با ظهور حضرتش قدر او را بدانند.

ثالثاً: مطابق آیات و روایات، یکی از سنت های حتمی خداوند متعال مسأله امتحان امت هاست. امت اسلامی نیز از این قانون استثنای پذیر نیست. و هر امتی به نحوی امتحان خواهد شد. امتحان امت اسلامی در این عصر و زمان به غیبت امام زمان آنهاست، که آیا با این حالت بر دین و مذهب خود استقامت دارند یا خیر؟

نظر فرقه «شیخیه» درباره امام زمان علیه السلام چیست؟

یکی از مهمترین اندیشه‌های شیخیه به ریاست «شیخ احمد احسائی» اعتقاد به «بدن هورقلیایی» است که این بدن در شهر «جابلقا و جابرسا» قرار دارد. او به گمان خود، با این نظریه، سه مسئله مهم و عمیق فلسفی را تحلیل نموده است؛ یعنی معراج جسمانی رسول خدا صلی الله علیه و آله و معاد جسمانی و حیات امام زمان علیه السلام را در طول بیش از ده قرن.

او معتقد است که امام زمان علیه السلام با بدنی غیر عنصری و تنها هورقلیایی در شهر جابلقا و جابرسا زندگی می‌کند.

شیخ احمد احسائی، امام زمان علیه السلام را زنده و در عالم «هورقلیا» می‌داند. (۱)

وی می‌گوید: «هورقلیا ملک آخر است که دارای دو شهر جابرسا که در مغرب قرار دارد و جابلقا که در مشرق واقع است می‌باشد. پس حضرت قائم علیه السلام در دنیا در عالم مثال نیست، اما به گونه‌ای است که به صورت هیكل عنصری می‌باشد، با مثالش در مثال، و با جسدش در اجساد و با جسمش در اجسام و با نفس خود در نفوس و با روحش در ارواح است. (۲)

او همچنین می‌گوید: «امام زمان علیه السلام در هنگام غیبت در عالم هورقلیا است و هر گاه بخواهد به «اقالیم سبعة» تشریف بیاورد، صورتی از

۱. ارشاد العوام، ج ۲، ص ۱۵۱.

۲. جوامع الكلم، رساله دمشقیه، قسمت دوم.

صورت‌های اهل این اقالیم را می پوشد و کسی او را نمی شناسد. جسم و زمان و مکان ایشان لطیف تر از عالم اجسام بوده و از عالم مثال است. (۱)

اینک در نقد این اعتقاد درباره امام زمان علیه السلام می گوئیم:

۱- تحلیل این بدن هورقلیایی و اعتقاد به حیات امام زمان علیه السلام با بدن «هورقلیایی» در واقع به معنای انکار امام زمان علیه السلام در روی زمین است؛ زیرا اگر مراد آن است که حضرت مهدی علیه السلام در عالم مثال و برزخ، چه برزخ اول یا برزخ دوم زندگی می کند، یا آن چنان که قبر را آنان از عالم هورقلیا می دانند، پس آن حضرت حیات با بدن عنصری ندارد و حیات او مثل حیات مردگان در عالم برزخ است. و این با احادیث متواتر «عدم خلوق زمین از حجت» سازگاری ندارد.

۲- این اعتقاد با ادله عقلی که قبلاً اشاره شد بر ضرورت وجود امام زمان علیه السلام در این عالم، مناسبت ندارد.

۳- «شیخ احمد احسائی»، عالم هورقلیا را حد وسط بین دنیا و ملکوت معرفی می کند در حالی که عالم ملکوت همان عالم مثال است.

۴- این سخن که حضرت مهدی علیه السلام با بدن هورقلیایی زندگی می کند، صرفاً یک ادعای بدون دلیل است و هیچ دلیل عقلی و نقلی بر آن اقامه نشده است.

۵- در قرن سیزدهم، گزاف گویی و به کار بردن واژه‌های نامأنوس

۱. جوامع الكلم، رساله رشیده، قسمت سوم، ص ۱۰۰.

و الفاظ مهمل، بسیار رایج شد و حتی عوام مردم اینها را نشانه علم و دانش می‌پنداشتند و بعید نیست که شیخ احمد احسائی و نیز سید کاظم رشتی به جهت خوشایند جاهلان و عوام به این واژه‌ها و کلمات روی آورده باشند.

نتیجه سخنان شیخ احمد، پیدایش مذاهب ضالّه بایّت و بهائیت و سرانجام بی‌دینی به اسم آیین پاک به وسیله کسروی بوده، و این میدان عمل و نتایج اسفبار سخنان شیخیه، خود محک و ملاک خوبی بر ضعف و سستی این سخنان است.

دعا برای تعجیل فرج چه تأثیری در فرج شیعیان دارد؟

امام زمان علیه السلام در جواب سؤال‌های اسحاق بن یعقوب می‌نویسد:
 «برای شتاب در گشایش حقیقی و کامل، بسیار دعا کنید؛ همانا فرج شما در
 آن است.»^(۱)

می‌دانیم که فرج و گشایش شیعیان از تمام گرفتاری‌ها و فتنه‌ها در
 سایه ظهور حضرت مهدی علیه السلام محقق می‌گردد، و تا زمانی که حضرت
 در غیبت به سر می‌برد شیعه تحت فشار و ظلم و تعدی حاکمان ظلم
 و جور است.

از این حدیث استفاده می‌شود که زمان ظهور حضرت مهدی علیه السلام
 متعلق «بداء» واقع می‌شود یعنی قابل تقدیم و تأخیر است، و یکی از
 عوامل تعجیل در فرج آن حضرت علیه السلام، دعا است. می‌دانیم که دعا بدون
 درخواست قلبی و زمینه‌سازی برای تحقق آن، مؤثر نخواهد بود.
 انسان باید با زبان و قلب بطلبد، و در عمل هم زمینه‌ساز خواسته خود
 باشد.

وجود امام زمان علیه السلام در رفع بلا چه تأثیری دارد؟

امام زمان علیه السلام در توقیع اول خود به شیخ مفید رحمته الله می فرماید: «ما در رسیدگی و سرپرستی شما کوتاهی و اهمال نکرده و یاد شما را از خاطر نبرده ایم که اگر جز این بود، دشواری ها و مصیبت ها بر شما فرود می آمد و دشمنان، شما را ریشه کن می نمودند.»^(۱)

شیعه به جهت پیروی از حق و حقیقت، دائماً مورد تعرض حکام جور و معاندان و مخالفان بوده است، لذا به کسی نیاز دارد که در سختی ها و گرفتاری ها او را یاری کند و از نابودی نجاتش دهد. حضرت در این توقیع به شیعیانش این بشارت را می دهد که با وجود غیبت، شما را حمایت می کنم و هرگز نمی گذارم نقشه های دشمنان حق و حقیقت به ثمر نشیند و مذهب شیعه نابود شود.

و در حدیث دیگر حضرت می فرماید: «من خاتم اوصیایم. خداوند به سبب من بلا را از اهل و شیعیانم دفع می کند.»^(۲)

حکم کسی که منکر امام زمان علیه السلام است چیست؟

امام زمان علیه السلام در بخشی از جواب های خود به پرسش های اسحاق بن یعقوب می فرماید: «بین خداوند عزوجل و هیچ کس قرابت و خویشاوندی نیست، هر کس مرا انکار کند از من نیست، و راه او راه فرزند نوح است.»^(۱)

این حدیث را روایتی که شیعه و سنی در کتب روایی خود آورده اند، تأیید می کند؛ و آن اینکه پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «مثل اهل بیت من، مثل کشتی نوح است، هر کس سوار بر آن شود نجات می یابد و کسی که از آن تخلف کند غرق خواهد شد.»^(۲)

۱. کمال الدین، ص ۴۸۴، ح ۳.

۲. مستدرک حاکم، ج ۳، ص ۱۵۱؛ بصائر الدرجات، ص ۳۱۷، ح ۴.

وظیفه کلی ما در عصر غیبت نسبت به امام زمان علیه السلام چیست؟

امام زمان علیه السلام در بخشی از نامه‌ای که به شیخ مفید رحمه الله ارسال داشته، نوشته‌اند: «پس هر یک از شما باید کاری کند که وی را به محبت و دوستی ما نزدیک سازد و از آنچه خوشایند ما نیست و باعث خشم و کراهت ما می‌شود دوری کند.»^(۱)

روشن است که محبت اهل بیت علیهم السلام جنبه شخصی و فردی ندارد، بلکه به ملاک خدایی است؛ زیرا هر گاه اهل بیت علیهم السلام مشاهده کنند که شیعیان و منتسبان به آنان کارهایی را انجام می‌دهند که مورد رضایت الهی است، و نیز از کارهایی که مورد سخط و غضب خداوند است اجتناب می‌کنند، خوشحال شده و به آنان می‌بالند.

در نتیجه بر ما است که اگر به دنبال جلب محبت آقا امام زمان علیه السلام و دوری از سخط و غضب آن حضرت هستیم، کاری نکنیم که از ایشان دور شده و از عنایاتش محروم گردیم. و از طرف دیگر، سعی ما بر این باشد که اعمال و رفتاری را انجام دهیم که هر چه بیشتر ما را به ایشان نزدیک گرداند.

حضرت مهدی علیه السلام در عصر غیبت چه کارهایی را انجام می دهند؟

در عصر غیبت کبری حضرت مهدی علیه السلام شؤون امامت و رهبری و زعامت را متصدی شده و وظایف خود را به نحو احسن انجام می دهند. اگر چه تصرف و بسط ید و حکومت ظاهری بر اوضاع ندارند، ولی مع ذلک ناظر بر اوضاع بوده و تصرفاتی می نمایند.

عمر ایشان در راه اطاعت خدا می گذرد. تکالیف اجتماعی را، آنچه مقتضی و مصلحت باشد انجام می دهند؛ مانند هدایت اشخاص، یاری دادن مؤمنین بر مخالفین، حلّ مسائل مشکل، نصیحت و موعظه افراد، شفای امراض، هدایت گمشدگان و رساندن آنها به مقصد، تعلیم معارف، کمک مالی به نیازمندان، فریادرسی گرفتاران و....

در نتیجه می توان یکی از تصرفات اساسی حضرت را نظام دادن به جامعه شیعی و حوزه های آن در طول تاریخ دانست که با عدم سازماندهی ظاهری، مشاهده می کنیم که دست غیبی حضرت حافظ آن بوده و آن را تحت کنترل خود دارد.

غیبت امام زمان به چه معناست؟

درباره کیفیت خفای مهدی علیه السلام در عصر غیبت کبرادو نظریه است: یکی اینکه شخص حضرت مخفی است (خفای شخص)، به این معنا که حضرت مهدی علیه السلام از ما دور بوده و در مکانی زندگی می کنند که هیچ کس به آن دسترسی ندارد.

دیگر اینکه شخص حضرت از ما مخفی نیست، بلکه او در میان ما به سر می برد ولی عنوان او برای ما مخفی است (خفای عنوان)، به این معنا که او را می بینیم ولی به جا نمی آوریم و نمی توانیم تطبیق کنیم که این شخصی که ما تاکنون او را دیده ایم همان امام زمان است. مثلاً انسان او صاف کسی را شنیده باشد و او را مکرر مشاهده کرده باشد، ولی به جا نیاورده و تطبیق نکرده باشد. موضوع غیبت امام زمان علیه السلام نیز از همین قبیل است.

امام زمان علیه السلام چگونه در عصر غیبت، مردم را هدایت می کند؟

۱- هدایت تشریحی: که به بیان احکام شرع و معارف الهی برای مردم است. این نوع هدایت غالباً با حضور امام در میان مردم تحصیل می گردد.

۲- هدایت باطنی: که همان دستگیری از راه باطن و هدایت انسان از راه درون است. این نوع هدایت از آن جهت که نوعی تکوینی است، احتیاج به حضور حضرت و ملاقات مردم با او ندارد، بلکه با غیبت حضرت نیز امکان پذیر است، و تمام کسانی که در آنها تحوّل و دگرگونی پیدا می شود و از راه درون به حقّ و حقیقت رهنمون می شوند با تصرّفات است که از ناحیه امام زمان علیه السلام و به اراده و مشیّت خداوند انجام می پذیرد.

۳- برخی از انواع هدایت ها نیز هست که حضرت مهدی علیه السلام در حقّ شیعیانش انجام می دهد که متوقّف بر حضور و ملاقات های مقطعی است، مثل هدایت گمشدگان و شفای بیماران و....

جشن‌های میلاد چه آثاری دارد؟

برپایی مراسم و یادبود میلاد حضرت مهدی علیه السلام آثار و برکاتی دارد که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

۱- هر ساله شیعیان در روزی خاص به یاد حضرت مهدی علیه السلام دور هم جمع شده با ابراز ارادتشان نسبت به حضرت یاد او را در دل‌ها زنده می‌کنند.

۲- برپایی جشن‌ها در روح و روان انسان اثر خاصی گذاشته و اعتقاد به وجود و ظهور حضرت را تثبیت خواهد کرد.

۳- در جشن‌هایی که برگزار می‌گردد کمالات و فضایل آن حضرت تشریح و توضیح داده می‌شود و در نتیجه مردم با تأسی به حضرت به خدا نزدیک‌تر می‌شوند.

۴- در آن مجالس، با اطعام و پنخش شیرینی دل مردم را خشنود کرده و به ثواب اطعام می‌رسند و گروهی از این ضعفا از این مجالس بهره‌مادی نیز می‌برند.

۵- این مراسم فرصت مناسبی است که مردم را به خدا و دستورات او دعوت نماییم.

چگونه می توان عشق به امام زمان علیه السلام را در دل مردم زنده کرد؟

جذب مردم، خصوصاً جوانان به امام زمان علیه السلام و زنده کردن عشق حضرت در دل آنها که در اقتدا و پیروی از او بسیار مؤثر است راه‌هایی دارد:

۱- آنهایی را که می خواهند دلشان ظرف محبت و عشق به ولی خدا شود از عقاید باطل دور کنیم، و نیز نفس آنها را از صفات رذیله بزداییم، زیرا دل پاک قابلیت و ظرفیت عشق و محبت به ولی الله الاعظم را دارا است.

لذا بزرگان اخلاق در بحث سلوک اخلاقی گفته‌اند که سالک در مرحله اول باید تخلیه نفس کند و سپس خود را به محاسن اخلاقی متخلق سازد.

۲- سعی کنیم تا حد امکان و آن قدری که از عهده ما برمی آید مقامات و کمالات و فضایل آقا امام زمان علیه السلام را برای او بازگو کنیم، و به او بگوییم که حضرت چه جایگاهی در عالم وجود دارد. چگونه از حالات مردم به اذن خدا مطلع است. چگونه مظهر رحمانیت خداوند است. چگونه به فکر شیعیان خود می‌باشد.

انسان ذاتاً و فطرتاً کمال دوست است و گرایش ذاتی به کمال و انسان کامل دارد. از طرفی اگر در انسان این عشق نسبت به کسی پیدا شد مطیع او می‌گردد، و از آن جهت که امام زمان علیه السلام مردم را به خدا دعوت می‌کند، لذا با ایجاد عشق و محبت آن حضرت در قلوب مردم در حقیقت مردم به سوی خدا رهنمون می‌شوند.

می‌توان گفت که دعوت مردم به امام زمان علیه السلام و ایجاد عشق آن حضرت در قلوب آنها در حقیقت دعوت به سوی خدا و ایجاد عشق به خدا در قلوب مردم است.

آیا امام زمان علیه السلام به تمام نقاط جهان سر می‌زنند؟

اصولاً امام زمان علیه السلام از آن جهت که مظهر علم غیب خداوند است از همه جا و همه چیز اطلاع دارد. و به عبارت دیگر امام زمان علیه السلام هر گاه که بخواهد همه چیز نزد او حاضر است. و به تمام موضوعات خارجی اطلاع داشته و از آنها آگاهی دارد.

از طرفی دیگر حضرت علیه السلام مطابق مصالح خاص و عامی که هست گاهی از طرف خداوند متعال مأمور به ملاقات و دستگیری از گرفتاری‌ها می‌شوند. گاهی احساس می‌کنند که باید به مکانی و نزد شخص خاصی رفته و گرفتاری او را بر طرف سازند، و گاهی در سرزمینی حاضر شده تا از اهالی آن دفع بلا گردد، و گاهی شخص را توجیه شده و هدایت می‌کنند. لذا هر مکان و زمانی که مصلحت بینند خود را در آنجا حاضر می‌کنند.

چرا وقتی عده‌ای امام زمان علیه السلام را می‌بینند از ابتدا او را نمی‌شناسند؟

در پاسخ این سؤال می‌گوییم:

اولاً: این طور نیست که تمام کسانی که به ملاقات حضرت مشرف شده‌اند در ابتدا حضرت را نشناخته‌اند، چه بسا افرادی که از همان ابتدا حضرت را شناخته و با او انس داشته‌اند، همانند سید بحر العلوم و مقدس اردبیلی و....

ثانیاً: هدف حضرت از ملاقات‌ها به طور عمده رفع گرفتاری از شیعیان است که این هدف با ملاقات ولو بدون شناخت، حاصل می‌شود.

ثالثاً: شناخته نشدن حضرت علیه السلام به جهت عدم انس است و معمولاً در ملاقات‌های اول بوده که حضرت را نمی‌شناختند، زیرا قبلاً او را ندیده بودند.

رابعاً: گاهی انسان به جهت شوق زیاد و یابی توجّهی و یا توجه زیاد به کار خود است که از مخاطب خود غافل می‌شود و بعد از برآورده شدن حاجتش به فکر می‌افتد که این شخص چه کسی بود.

خامساً: شناخته نشدن حضرت در عصر غیبت کبرا طبق مقتضای اصل اولی است، زیرا غیبت حضرت کلی است، و قرار است که به جهت مصالحی حضرت ناشناخته بمانند.

علت تأخیر فرج حضرت مهدی علیه السلام چیست؟

علت تأخیر فرج آقا و مولای ما امام زمان علیه السلام به خود انسان‌ها باز می‌گردد، زیرا تشکیل حکومت عدل و توحیدی در سطح جهان، عمدتاً احتیاج به شرایط و آمادگی‌های لازم از طرف خود مردم دارد، امام زمان علیه السلام در توقیعی که به شیخ مفید رحمته الله علیه می‌فرستد می‌فرماید: «اگر شیعیان ما - که خداوند توفیق طاعتشان دهد - در راه ایفای پیمانی که بر دوش دارند، همدل می‌شدند، میمنت ملاقات ما از ایشان به تأخیر نمی‌افتاد، و سعادت دیدار ما زودتر نصیب آنها می‌گشت، دیداری بر مبنای شناختی راستین و صداقتی از آنان نسبت به ما. علت مخفی شدن ما از آنها چیزی نیست جز آنچه که از کردار آنها به ما می‌رسد و ما توقع انجام این کارها را از آنها نداریم.»^(۱)

چرا اگر امام زمان خود را نشناسیم، به مرگ جاهلی از دنیا رفته ایم؟

اولاً: شکی نیست که معرفت، تأثیر به سزایی در عملکرد انسان دارد، و هر چه معرفت انسان به کسی یا عقیده‌ای بیشتر و راسخ‌تر باشد، تأثیر آن در ناحیه عمل بیشتر خواهد بود. و به طور کلی انسان بدون معرفت نمی‌تواند در ناحیه عمل، حق مطلب را ادا کند. لذا علمای کلام از همین طریق و به ملاک لزوم شکر منعم قائل به وجوب معرفت خداوند شده‌اند. امام زمان علیه السلام حجت خدا بر روی زمین است و مطابق نصوصات، اطاعت او واجب است، لذا باید به او در حد امکان معرفت حاصل کنیم، وگرنه با مرگ جاهلی از دنیا رفته ایم.

ثانیاً: ما وظیفه داریم امام زمان خود را بشناسیم تا دنباله‌رو هر کسی نباشیم. چه کسی را الگوی خود قرار دهیم و دین را از چه کسی اخذ کنیم؟ آیا می‌توان از هر کسی که متاعی از دین را عرضه کرد به سراغش رفته، او را الگو و امام خود قرار دهیم؟

باید در مرحله اول خصوصیات امام را شناخته و مصداق آن را مشخص کنیم، آن‌گاه به دنبال ایشان رفته و آن حضرت را رهبر خود قرار دهیم. قطعاً باید چنین باشد وگرنه در هنگام مرگ، مرگی با جهالت خواهیم داشت.

وظیفه ما برای نزدیک شدن ظهور چیست؟

ظهور امام زمان علیه السلام وابسته به شرایط و مصالح خاصی است، ولی آنچه که مربوط به شیعیان حضرت می شود این است که؛
اولاً: خود را اصلاح نموده و با شرایط حکومت و عصر ظهور حضرت وفق دهیم.

ثانیاً: در جامعه، برای ظهور حضرت زمینه سازی کنیم و در صدد اصلاح مردم در حدّ توان خود برآییم تا شرایط فراهم شود و به دست توانای حضرت موانع کلی برطرف شده و شرایط اساسی برای حکومت عدل جهانی ایجاد گردد. لذا فرموده اند: «منتظران مصلح خود افرادی صالحند».

ثالثاً: هرگز دعا و استغاثه به درگاه الهی را فراموش نکنیم که در ظهور حضرت - مطابق روایات - تأثیر به سزایی دارد.

صدقه دادن به جهت سلامتی امام زمان علیه السلام چه حکمی دارد؟

اصل صدقه دادن دارای ارزش و ثواب بسیاری است و می تواند بلاهای زیای را از انسان دور کند. اگر انسان از طرف امام زمان علیه السلام و به وکالت از آن حضرت علیه السلام صدقه دهد، هم برای انسان و هم برای حضرت مؤثر است.

زیرا که هدیه به مؤمن، آن هم بالاترین مؤمن روی زمین ثواب دارد. همچنین موجب می شود که خداوند به او برکات بیشتری دهد و بر عنایاتش بیفزاید، و موجب دفع بلا از وجود حضرت می گردد، در مورد عابرای سلامتی امام زمان علیه السلام نیز همین جواب را خواهیم داد.

آیا عریضه نویسی به امام زمان علیه السلام مدرک معتبری دارد؟

در مورد جواز و رجحان عریضه نویسی به امام زمان علیه السلام می توان به ادله ای تمسک کرد:

۱- عریضه نویسی از انواع توسلات و استغاثه های به امام عصر علیه السلام به شمار می آید، توسلی که اصل آن از مستحبات مسلم در مصادر دینی به حساب می آید.

۲- عریضه نویسی از کارهای مسلمی است که عمل و سیره بزرگان بر آن بوده و آثار و برکات شگفت انگیزی از آن برده شده است. محدث نوری در کتاب «نجم الثاقب» قضایای عجیبی را در این رابطه نقل می کند. (۱)

۳- کفعمی در «المصباح» و «البلد الامین» کیفیت و چگونگی عریضه نویسی را نقل کرده و این خود دلیل بر آن است که عریضه نویسی از مشروعیت برخوردار است. (۲)

مرحوم مجلسی نیز فرموده است: «هنگام انداختن عریضه چنین خیال کند که نامه را به نایب خاص تسلیم می کند». (۳)

شیخ الطائفه طوسی رحمته الله در کتاب «مصباح المتهجد» می گوید: «عریضه ای به سوی خداوند متعال می نویسی و آن را می پیچی، سپس عریضه دیگری به محضر والای حضرت بقیة الله اروحنا فداه می نویسی...» (۴)، آن گاه کیفیت نوشتن هر یک از عریضه ها را بیان می دارد.

۱. نجم الثاقب، ص ۴۲۱؛ جنة المأوی، ص ۲۴۸؛ دارالسلام، ج ۲، ص ۲۶۴.

۲. المصباح، ص ۵۳۱؛ البلد الامین، ص ۲۲۷.

۳. بحار الأنوار، ج ۹۴، ص ۳۰. ۴. همان، ص ۲۷.

محل سکونت حضرت مهدی علیه السلام در عصر غیبت کبرا کجا است؟

امام زمان علیه السلام در خطاب خود به ابراهیم بن مهزیار فرمود: «پدرم مرا وصیت کرده که در سرزمین‌های مخفی و دور سکنی گزینم تا امرم از مردم مخفی بماند و محلم از کیدهای اهل ضلالت و ارتداد و از حوادث امت‌های گمراه محفوظ بماند. لذا این سفارش، مرا به تپه‌های بلند کشانده است.»^(۱)

آری، مطابق برخی از روایات، مکان خاصی برای حضرت وجود دارد که تنها خواص از شیعیانش از آن اطلاع دارند.

اسحاق بن عمار از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند که فرمود: «برای قائم دو غیبت است: یکی کوتاه و دیگری طولانی. در غیبت کوتاه کسی غیر از خواص از شیعیانش از مکان او اطلاع ندارند. و در غیبت طولانی نیز تنها خواص از دوستدارانش از مکان او آگاهند.»^(۲)

مؤمنین چه تکالیفی در عصر غیبت نسبت به امام زمان علیه السلام دارند؟

در مورد حضرت مهدی علیه السلام و موقعیت او، شیعیان آن حضرت هر یک وظایف سنگینی بر عهده دارند، اینک به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

۱- ایمان به حتمی بودن خروج مهدی علیه السلام

در روایات اهل سنت می‌خوانیم که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «هر کس منکر خروج مهدی شود به آنچه بر محمد صلی الله علیه و آله نازل شده کفر ورزیده است.»^(۱)

۲- صبوری و تمسک به دین حق در فتنه‌ها

امام صادق علیه السلام فرمود: «خوشا به حال کسی که در غیبت قائم ما متمسک به امر ما شده و قلب او بعد از هدایت منحرف نشود...»^(۲)

۳- تمسک به ولایت امام غایب

امام باقر علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده که فرمود: «خوشا به حال کسی که قائم اهل بیت مرا درک کند و در غیبت او قبل از قیامش به او اقتدا کند و...»^(۳)

۴- طلب معرفت امام زمان علیه السلام از خداوند متعال

کلینی رحمته الله به سند خود از ابوبصیر نقل کرده که امام باقر علیه السلام به من فرمود: «آیا امامت را شناخته‌ای؟ عرض کردم: آری به خدا سوگند قبل از آنکه از کوفه خارج شوم. فرمود: بس است تو را در این هنگام.»^(۴)

۱. فرائد السمطين، ج ۲، ص ۳۳۴، ح ۵۸۵ و... .

۲. کمال الدین، ص ۳۵۸.

۳. کمال الدین، ص ۲۸۶؛ بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۷۲، ح ۱۴.

۴. کافی، ج ۱، ص ۱۸۵، ح ۱۲.

۵- تجدید بیعت و ثبات بر اطاعت

در دعای عهد از امام صادق علیه السلام می خوانیم: «بار خدایا! همانا من برای او [حضرت مهدی علیه السلام] در این روزم عهد و پیمان و بیعتی را در گردنم تجدید می کنم، بیعتی که از آن بازنگشته و هرگز آن را زایل نمی سازم. بار خدایا! مرا از یاران و کمک کاران و مدافعین از آن حضرت قرار بده...»^(۱)

در این دعا سخن از تجدید عهد با امام خود در هر روز است.

۶- مقابله با شبهات و اشکالات

امام صادق علیه السلام در حدیثی فرمود: «... خود را از شک و تردید دور کنید و از شکها بپرهیزید، شما بر حذر داده شدید پس حذر کنید، و من توفیق و ارشاد شما را از خداوند خواستارم.»^(۲)

۷- کمک و یاری برادران مؤمن

امام صادق علیه السلام در حدیثی جمله «وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ» در سوره «العصر» را بر مواسات و هم یاری برادران دینی منطبق ساخته اند.^(۳)

در تفسیر امام عسکری علیه السلام آمده است: «هر کس متکفل یتیمی برای ما شود که محنت استتار ما او را وامانده کرده و از علوم ما که به دستش رسیده او را سرشار کند تا اینکه ارشاد شده و هدایت یابد، خداوند متعال در حق او می فرماید: «ای بنده کریم که یاری کننده ای! من از او در این کرم اولی ترم، ای ملائکه من برای او در بهشت به هر حرفی که تعلیم داده یک میلیون قصر دهید...»^(۴)

۱. بحار الأنوار، ج ۱۰۲، ص ۱۱۱؛ مصباح الزائر، ص ۲۳۵.
 ۲. بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۱۴۶، ح ۱۷.
 ۳. کمال الدین، ص ۶۵۶؛ بحار الأنوار، ج ۲۴، ص ۲۱۴، ح ۱.
 ۴. تفسیر منسوب به امام عسکری علیه السلام، ص ۳۴۲؛ بحار الأنوار، ج ۲، ص ۴، ح ۵.

۸- فریب نخوردن از مدعیان دروغین مهدویت

امام صادق علیه السلام فرمود: «... و به طور حتم دوازده پرچم و دعوت مشتبه بر پا خواهد شد که از همدیگر تشخیص داده نمی شود...»^(۱)

۹- زیاد دعا کردن برای تعجیل فرج

حضرت مهدی علیه السلام در توقیعی که در جواب سؤال‌های اسحاق بن یعقوب فرستادند فرموده‌اند: «... زیاد برای تعجیل فرج دعا کنید؛ زیرا فرج شما در آن است.»^(۲)

۱۰- اجتناب از جزع

کلینی رحمته الله به سندش از امام صادق علیه السلام نقل کرده که فرمود: «همانا مردم به جهت عجله کردن در این امر هلاک شدند، خداوند به خاطر عجله بندگان عجله نخواهد کرد، زیرا برای این امر نهایی است...»^(۳)

۱۱- وقت معین نکردن برای ظهور

امام صادق علیه السلام فرمود: «... همانا ما اهل بیت وقت معین نمی کنیم...»^(۴)

۱۲- دوست داشتن حضرت علیه السلام

در روایات فراوانی به دوستی اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام و از آن جمله حضرت مهدی علیه السلام سفارش شده است، و این به نوبه خود می تواند در جلب توجه مردم به حضرت علیه السلام و پیروی از دستورات او و دیگر امامان تأثیر بسزایی داشته باشد.

۱. کمال الدین، ص ۳۴۷؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۸۱، ح ۹.
 ۲. کمال الدین، ص ۴۸۳؛ بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۸۰، ح ۱۰.
 ۳. کافی، ج ۱، ص ۳۶۹، ح ۷.
 ۴. بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۱۱۹، ح ۴۸.

مشخصات ظاهری حضرت مهدی علیه السلام چیست؟

امام زمان علیه السلام بعد از شهادت پدرش هنگامی که برای نماز بر جنازه او حاضر شد مردم او را مشاهده کردند در حالی که طفلی گندم‌گون بود، با موهای فری و بین دندان‌های جلو او باز بود. (۱)

شیخ طوسی رحمته الله از برخی کسانی که حضرت را در خلال غیبت صغرا مشاهده کردند نقل می‌کند که آن حضرت جوانی زیبارو، با بویی معطر، و هیبتی عظیم بود. راوی می‌گوید: «هنگامی که سخن می‌گفت، کسی را بهتر از او در سخن گفتن ندیدم». (۲)

در روایتی دیگر می‌خوانیم که راوی گفت: «حضرت جوانی گندم‌گون بود و هرگز کسی را به مانند او در زیبایی و اعتدال قامت ندیدم». (۳)

و در روایتی دیگر آمده است: «قد او نه طولانی است و نه کوتاه، بلکه معتدل القامه است. سر مبارکش گرد و پیشانی‌اش پهن است. بینی او کشیده و گونه‌های او صاف و بر گونه راستش خالی است». (۴)

۱. تاریخ الغیبة الصغری، ص ۵۴۰. ۲. الغیبة، طوسی، ص ۱۵۲.
 ۳. همان، ص ۱۵۳. ۴. همان، ص ۱۵۶.

امام زمان علیه السلام چه اهداف خاصی از ملاقات با مردم داشته‌اند؟

برخی از این تشرفات می‌تواند به دلایل زیر باشد:

- ۱- هدایت شخص و امانده در راه و ملحق کردن او به قافله.
 - ۲- یاری دادن یکی از دو طرف مباحثه که بر طریق حق بوده به جهت مصلحتی که اقتضا کرده است.
 - ۳- حلّ برخی از مسائل که بر علما دشوار می‌شود، همان گونه که مقدّس اردبیلی برای حل مسائل دشوار خدمت حضرت مشرف می‌شد.
 - ۴- خبر دادن از برخی مسائل سیاسی مهم زمان قبل از آنکه به وقوع بپیوندد، به جهت حفظ مصالح شیعیان.
 - ۵- بالا بردن سطح علمی و معیشتی شیعیان.
 - ۶- مساعدت مالی به شیعیان گرفتار.
 - ۷- شفای مریضانی که زمین‌گیر شده و پزشکان آنها را جواب کرده‌اند.
 - ۸- تعلیم ادعیه و اذکار به جماعتی از مردم، همانند تعلیم دعای فرج.
 - ۹- تحرّیص بر تلاوت ادعیه به جهت رفع گرفتاری‌ها.
- و دیگر اهداف خاص.

آیا تشریف به لقای امام زمان علیه السلام در عصر غیبت کبری ممکن است؟

درباره سؤال فوق می گوئیم:

اولاً: مسأله رؤیت این طور نیست که به اختیار انسان باشد و هر گاه که اراده ملاقات کند برای او حاصل گردد، بلکه وابسته به یک سری شرایط و مصالح خاصی است که اگر آماده شود حضرت مقدمات ملاقات را فراهم می سازد.

ثانیاً: اگر کسی مدعی ملاقات دائمی است و این گونه خود را وانمود می کند که دائماً با حضرت ارتباط دارد و هر گاه که اراده کند می تواند خدمت حضرت برسد و واسطه بین مردم و ایشان باشد، او مطابق توقیعی که حضرت به علی بن محمد سمیری داشته اند کذاب است. و لذا باید او را تکذیب کرد.

آیا اصرار و الحاح به جهت ملاقات با حضرت مطلوب است؟

آنچه که مطلوب است و وظیفه ما در عصر غیبت به حساب می آید این است که بکوشیم تا موانع ظهور حضرت را برطرف کرده، زمینه ظهور حضرت را فراهم نماییم. و نیز وظیفه داریم که به دستورات و وظایف خود عمل کنیم تا به قرب معنوی نسبت به حضرت نایل آییم.

آری اگر درخواست ملاقات با حضرت در عصر غیبت به جهت بهره‌مندی از وجود ایشان و مورد عنایت خاص او قرار گرفتن باشد تا انسان به اطمینان قلب رسیده و با تصرفی که از جانب ایشان می شود به کمالات نزدیک شود، اصرار بر آن مفید است. وگرنه این عصر غیبت است و قرار است که امام زمان علیه السلام از دیدگان مردم غایب باشد، تا چه مصلحتی اقتضا کند که در موردی ظهور کرده و کسی به ملاقات حضرت نایل شود. لذا باید صبر کرد و در این موقع حساس که عصر امتحان است به وظایف خود خوب عمل کنیم تا از امتحان سرافراز بیرون آییم.

آری، اگر چه از ظاهر برخی از ادعیه تقاضای ملاقات حضرت به دست می آید ولی می توان آن را حمل بر ملاقات در عصر ظهور کرد.

مستند ساختمان مسجد جمکران چیست؟

مستند مسجد جمکران قضیه‌ای است که مرحوم حاجی نوری در کتاب «نجم الثاقب» و «جنة المأوی» و «الكلمة الطيبة» و نیز میرزا محمد تقی ارباب قمی در کتاب «تاریخ دارالایمان» و دیگران از کتاب «تاریخ قم» تألیف حسن بن محمد بن حسن قمی، به نقل از کتاب «مونس الحزین» محمد بن بابویه معروف به شیخ صدوق نقل کرده‌اند. این نقل مشتمل بر قضیه‌ای از حسن بن مثله جمکرانی رضی الله عنه است که در آن اشاره به ملاقاتی شده که او در سال ۲۹۳ هجری در بیداری با امام زمان علیه السلام داشته است. در این دیدار حضرت به او دستور می‌دهد که با عالم جلیل‌القدر سید ابی‌الحسن الرضا از علمای قم ارتباط پیدا کرده و با کمک او مسجدی را در این مکان موجود بنا نماید... (۱).

قابل توجه اینکه کتاب «انوار المشعشعین» از کتاب «تاریخ قم» و او نیز از کتاب «مونس الحزین» از امیرالمؤمنین علیه السلام، قضیه به اهتزاز در آمدن پرچم امام زمان علیه السلام از مسجد جمکران را نقل کرده است.

نماز خاص مستحبی در مسجد جمکران چیست؟

در قضیه‌ای که حسن بن مثله جمکرانی نقل می‌کند، آمده است: حضرت فرمود: «... در این مکان هفت روز اقامت کن و در آن چهار رکعت نماز گزار، دو رکعت نماز تحیت مسجد، در هر رکعت یک بار سوره حمد و هفت بار سوره اخلاص، و تسبیح رکوع و سجود را نیز هفت بار تکرار کن. و دو رکعت نیز نماز به نیت نماز صاحب الزمان به جای آور، در رکعت اول سوره حمد، و هنگامی که به «ایاک نعبد و ایاک نستعین» رسیدی این جمله را صدبار تکرار کن، و بعد از اكمال سوره حمد، یک بار سوره اخلاص را می‌خوانی، آن گاه ذکر رکوع و سجود را هر کدام هفت بار می‌گویی، و در رکعت دوم نیز همین عمل را تکرار می‌کنی.

بعد از اتمام نماز یک بار ذکر «لا إله إلا الله» می‌گویی و بعد از تسبیحات حضرت زهرا علیها السلام صد بار صلوات در سجده می‌فرستی. آن گاه فرمود: بر تو باد به مواظبت بر این نماز و هر کس در آن مسجد حاضر شود و این نماز را به جای آورد مثل آن است که در بیت العتیق (خانه خدا) نماز گزارده است.»

آیا خداوند می‌تواند عمر کسی را به این حد طولانی کند؟

در علم کلام به اثبات رسیده که خداوند قادر بر هر امری است همان گونه که عالم به هر چیزی است. هر امری که قابلیت تعلق قدرت الهی را داشته باشد و محال ذاتی و وقوعی نباشد، گرچه بر خلاف عادت عمومی است. لذا محال نیست که خداوند به جهت مصالحی عمر شخصی را طولانی کرده و از آفات مرگ او را نگه دارد. طبیعت آتش، سوزاندن است ولی خداوند برای حضرت ابراهیم علیه السلام سرد و سلامت گردانید. و این همان اعجازی است که در علم کلام به آن اشاره شده است. علامه طباطبایی می‌فرماید: «کسی که روایات وارد شده از رسول اعظم و امامان اهل بیت علیهم السلام در خصوص امام غایب را مطالعه کرده باشد، به این نتیجه می‌رسد که نوع حیات آن حضرت با معجزه و خرق عادت است. و طبیعی است که خرق عادت امری محال نیست. و نمی‌توان خرق عادت را از طریق علم به طور مطلق نفی کرد. عوامل و اسبابی که در عالم تأثیر گذارند هرگز منحصر در حدود دید ما و شناخت ظاهری ما نیست. ما نمی‌توانیم عوامل دیگر را از ماوراء طبیعت نفی کنیم... لذا ممکن است که عواملی در فرد یا افرادی از بشر وجود داشته باشد که بتواند انسان را بهره‌مند از عمر طولانی کند به حدی که گاه به هزار یا هزاران سال برسد. بنابراین علم طب هرگز از کشف راز طول عمر انسان مطلع نشده است.»^(۱)

لذا خداوند متعال درباره حضرت یونس (ذوالنون) می فرماید: «اگر او از تسبیح گویان نبود به طور حتم در شکم ماهی تا روز قیامت باقی می ماند.»^(۱)

پس ممکن است کسی عمری طولانی تا روز قیامت به طریق اعجاز داشته باشد.

حکمت معین نبودن وقت ظهور حضرت چیست؟

گاهی این سؤال در ذهن انسان خطور می کند که چرا وقت ظهور در منابع اسلامی معین نشده است؟ در جواب این سؤال می گوئیم:

۱- کسی که منتظر شخص دوست داشتنی است و وقت آمدن او را نمی داند همیشه در حال انتظار است، همیشه آماده است، همیشه در صدد پیاده کردن دستورات او در خود و اجتماع است. ولی در صورتی که زمان رسیدن او را بداند خصوصاً آنکه بداند که بسیار دور است، مأیوس شده و هرگز خود را به این زودی آماده نمی کند.

۲- معین نبودن وقت ظهور، یک نوع امتحانی است برای مردم تا معلوم گردد آیا مردم با این همه سختی های مختلف، روحیه خود را از دست می دهند یا خیر؟

۳- گاه مصلحت در تقدیم و تأخیر زمان غیبت است که این معنا با معین بودن زمان ظهور سازگاری ندارد. و لذا در قصه حضرت موسی علیه السلام به جهت ادامه ملاقات او با خداوند از سی روز تا چهل روز، عده ای به انحراف کشیده شدند.

۴- در صورت معین بودن ظهور، دشمنان حضرت علیه السلام در صدد تدارک برآمده و با حضرت در همان زمان به مقابله برخوانند خواست. لذا در روایات اسلامی از عنصر «ناگهانی بودن ظهور» به عنوان عنصر اساسی در پیروزی حضرت یاد شده است.

امام صادق علیه السلام به ابن النعمان فرمود: «ای پسر نعمان! به راستی عالم نمی تواند به هر چه اطلاع دارد تو را آگاه سازد... پس عجله نکنید، به

خدا سوگند! سه بار این امر - امر فرج - نزدیک شد ولی به جهت آنکه شما آن را فاش کردید خداوند آن را به تأخیر انداخت. به خدا سوگند! نزد شما سرّی نیست مگر آنکه دشمنان شما به آن از شما آگاه ترند».

۵- در صورت عدم تعیین وقت ظهور، حالت انقطاع و توجه و تصرّف خاصی بر انسان‌ها حاکم خواهد شد، که چه بسا این امر سبب تعجیل در فرج امام زمان علیه السلام گردد. ولی اگر وقت ظهور به طور قطع مشخص باشد دیگر از این اثر معنوی خبری نیست.

۶- از آنجا که وقت ظهور همانند علایم ظهور، متعلق «بدا» واقع می‌شود، لذا نباید به طور دقیق وقت ظهور مشخص باشد تا مردم به کارهایی تشویق شوند که مؤثر در ظهور امام زمان علیه السلام است.

۷- از آنجا که ممکن است ظهور حضرت به طول انجامد، لذا وقت آن معین نشده است تا مردم مأیوس نباشند و با احتمال ظهور حضرت در هر لحظه حالت انتظار مثبت را از دست ندهند.

معنای ظهور امام زمان علیه السلام چیست؟

در اینکه معنای ظهور امام زمان علیه السلام چیست، سه احتمال داده شده که قابل جمع است:

۱- مقصود از ظهور، بروز و انکشاف بعد از محجوب بودن و استتار باشد. این معنا مختص فهم شیعی است که معتقد به غیبت برای امام زمان علیه السلام است.

۲- همچنین مقصود اعلان قیام به جهت پیاده کردن اسلام ناب و در سایه حکومت عدل و سیطره بر عالم می باشد.

۳- مقصود از ظهور، پیروزی و سیطره بر عالم است.

غلبه بر جهان با یاران اندک چگونه ممکن است؟

اگر چه در روایات به یاران محدود حضرت یعنی ۳۱۳ نفر اشاره شده است، ولی پیروزی آنان بر مستکبران به رهبری حضرت مهدی علیه السلام از جهاتی دور از انتظار نیست زیرا:

۱- در روایات به یاران دیگری در حدود ده هزار نفر نیز اشاره شده که بدون تحقق آنها حضرت مهدی علیه السلام ظهور نخواهد کرد.

۲- غلبه حضرت بر جهان ممکن است از طریق اعجاز باشد، زیرا خداوند متعال ضمانت کرده تا گروه اندک را در صورت استقامت بر گروه زیاد پیروز گرداند. (۱)

۳- از طریق علل و اسباب عادی و ظاهری نیز حصول چنین فتح و پیروزی امری دور از انتظار نخواهد بود، زیرا حضرت در موقعی ظهور خواهند کرد که اوضاع و احوال اجتماعی، اخلاقی و سیاسی کاملاً مساعد باشد. در آن موقع همه ملل به جهت سرخوردگی از نظام‌های مختلف و قتل و غارت‌ها به تنگ آمده‌اند، و لذا در انتظار چنین حکومتی به سر می‌برند، و مردم به مجرد شنیدن خبر ظهور به آن حضرت و حکومتش روی خوش نشان می‌دهند، و ایشان تنها با گروه خاصی درگیر خواهند شد.

۴- از آنجا که جهان به مانند دهکده‌ای کوچک درآمده و هر چه از عمر آن بگذرد این ارتباط تنگ‌تر خواهد شد، لذا با به دست گرفتن نقطه‌های کلیدی و با استعانت از خداوند متعال، حکومت جهانی حضرت تحقق خواهد یافت.

آیا حضرت مهدی علیه السلام با شمشیر قیام خواهد کرد؟

برخی سؤال می کنند که مطابق برخی روایات، امام زمان علیه السلام با شمشیر قیام خواهد کرد و با آن به مقابله با مخالفان حق و حقیقت و ظالمان خواهد پرداخت. این مسأله قابل پذیرش نیست، زیرا چگونه ممکن است یک نفر با شمشیر در مقابل تسلیحات کشتار جمعی جدید و مخرب که می تواند کل کره زمین را چندین بار نابود کند ایستاده و مقابله کند؟

اصل این مسأله در روایات به آن اشاره شده است. محمد بن مسلم از امام باقر علیه السلام نقل کرده که فرمود: «واما شباهت مهدی به جدش مصطفی صلی الله علیه و آله به خروج با شمشیر و کشتن دشمنان خدا و دشمنان رسولش و جباران و طاغوتها است. و همانا او به توسط شمشیر و ترس نصرت و یاری خواهد شد...»^(۱)

ولی بحث در آن است که مقصود از شمشیر چیست؟ آیا شمشیر موضوعیت و خصوصیت دارد، یا اشاره به چیزی دیگر است؟

پاسخ:

اولاً: چه اشکالی دارد که شخصی با شمشیر ولی همراه با اعجاز الهی که حضرت را مساعدت می کند با دشمنان خود به مقابله پردازد؟

ثانیاً: به احتمال زیاد مقصود از شمشیر، قوت و اسلحه است زیرا مسلمانان در آن عصر یعنی قبل از هزار سال اسلحه‌ای به جز شمشیر نداشته و هرگز به ذهن آنها چنین تسلیحاتی خطور نمی کرده است، لذا از «اسلحه» به شمشیر تعبیر شده است.

در این صورت دو احتمال وجود دارد:

الف. اینکه امام زمان علیه السلام نیز به قدرت و اعجاز الهی و یا از راه تسلط بر تسلیحات موجود بر ضد مخالفان و ظالمان استفاده می‌کند.

ب. احتمال دیگر آن است که امام زمان علیه السلام با تسلط بر مراکز تصمیم‌گیری و از کار انداختن وسایل جنگی آنها که با هسته‌های مرکزی ارتباط دارد، تمام آنها را از راه اعجاز یا طریق عادی از کار می‌اندازد.

ثالثاً: مطابق برخی روایات، شمشیرهای اصحاب حضرت از آهن است، ولی نه مثل این آهن‌هایی که در دسترس ما قرار دارد، بلکه به گونه‌ای است که اگر یکی از آنان با شمشیر خود بر کوه زند، آن را دو نیم می‌کند. و بنابر تعبیر دیگر، وسیله دفاعی آنان به گونه‌ای است که اسلحه دشمن هرگز بر آنها کارگر نیست. (۱)

لذا ممکن است اسلحه‌ای را که حضرت و یاورانش به کار می‌برند از وسایلی باشد که بتواند همه دستگاه‌های دشمنان را از کار بیندازد ولی در مقابل، هیچ دستگاهی بر آن کارگر نباشد، همان گونه که در این زمان، بشقاب پرنده‌ها و اشیای نورانی شناخته نشده را مشاهده می‌کنیم.

رابعاً: پیروزی عمده امام زمان علیه السلام و سیطره آن حضرت بر جهان از راه اقبال مردمی به سوی ایشان است. و دیگر از راه ترس و رعبی است که خداوند در قلوب مخالفان و ظالمان قرار می‌دهد تا تمام تسلیحات خود را بر زمین گذارده، فرار کرده یا تسلیم می‌شوند، خصوصاً آنکه در ابتدای ظهور، وقتی مقداری از معجزات حضرت را مشاهده کردند می‌فهمند که امر او الهی است و نمی‌توان با مرد الهی مقابله کرد، بدین

۱. بصائر الدرجات، ص ۱۴۱.

جهت تسلیم حضرت می شوند و گروه اندکی نیز که به مخالفت و مقابله می پردازند نابود می شوند.

خامساً: از کجا که در زمان ظهور حضرت مهدی علیه السلام، این اسلحه خطرناک در اختیار بشر باقی مانده باشد؛ زیرا ممکن است که در اثر حوادث و آشوب‌ها و جنگ‌های جهانی که پیش از ظهور آن حضرت اتفاق می افتد این اسلحه‌ها نابود شود.

سادساً: جنگ‌ها و کشتارهای بی رحمانه، نتیجه جهل و ضلالت و بی خردی بشر است. حال اگر در عصر ظهور، عقل مردم کامل شود، بر فرض که سلاح‌های خطرناک در اختیار داشته باشند آن را بر ضد یکدیگر به کار نمی گیرند؛ و نیروهایی که آن سلاح‌ها را در اختیار دارند پی به حقانیت حضرت برده و یا با ایجاد رعب و وحشت که در دلشان قرار می گیرد از به کار بردن آن بر ضد حضرت خودداری می کنند.

اصحاب حضرت مهدی علیه السلام چگونه وارد مکه می شوند؟

در مورد سؤال فوق چند احتمال وجود دارد:

۱- اینکه این جماعت به طور اعجاز و با سرعت وارد مکه می شوند. این احتمال مطابق ظاهر برخی روایات و صریح برخی روایات دیگر است. در برخی روایات آمده که آنها در یک ساعت در جایی اجتماع می کنند: «يجتمعون والله في ساعة واحدة»^(۱).

ولی در برخی روایات تصریح به اعجازی بودن آن شده است. در روایت ابن صباغ آمده است: «پس انصار او از اطراف زمین به خدمت او می رسند در حالی که زمین برای آنها می چرخد تا اینکه با او بیعت کنند».

و در خبر طبرسی آمده است: «پس شیعیان از اطراف زمین خدمت او می رسند در حالی که زمین برای آنها می چرخد، تا آنکه با او بیعت کنند».

۲- احتمال دیگر اینکه مردم چند دسته شوند:

الف. برخی از راه طبیعی خدمت امام علیه السلام مشرف می شوند.

ب. برخی نیز شب هنگام که در رختخواب خود آرمیده اند ناگهان خود را در مکه می یابند.

ج. برخی نیز بر ابر سوار در روز به خدمت حضرت مشرف می شوند.

۳- احتمال سوّم آن است که همگی با سفر عادی به خدمت حضرت مشرف می شوند؛ زیرا همان گونه که در روایات اشاره شده به اسم مهدی علیه السلام در ماه رمضان ندا داده می شود، و ظهور حضرت نیز در دهم محرم است. در فاصله این مدّت مخلصین، خود را به حضرت می رسانند.

آیا در عصر ظهور، همه یک عقیده و مرام خواهند داشت؟

برای تشکیل جامعه واحد و امت واحده، یک موضوع ضروری است و آن جهان بینی واحد و اعتقاد واحد است.

در دوران ظهور و روزگار دولت عدل بنیاد مهدوی علیه السلام جهان بینی واحدی بر جهان حاکم می گردد و راه و روش و برنامه ها یکی است، و یک پارچگی و یگانگی واقعی در عقیده و مرام پدید می آید، و مردمان همه یکدل و یک زبان به سوی سعادت و صلاح حرکت می کنند.

امام مهدی علیه السلام که مصلحی حقیقی است و راه و روش او بر پایه قانون جاویدان حق و عدل استقرار دارد و با فطرت و سرشت انسانها هماهنگ و سازگار است، وحدتی واقعی را بر اساس اصول توحید و ایدئولوژی اسلامی پی می ریزد و همه انسانها را در زیر شعار یگانه و دین واحد گرد می آورد.

امام علی علیه السلام به مالک بن حمزه فرمود: «... در این زمان قائم ما قیام کند و همه را بر یک مرام و عقیده گرد آورد.»^(۱)

امام صادق علیه السلام فرمود: «... به خدا سوگند ای مفضل! [امام قائم] از میان ملت‌ها و آیین‌ها اختلاف را برمی دارد و یک دین بر همه حاکم می گردد.»^(۲)

حضرت مهدی علیه السلام با یهود و نصارا چگونه رفتار خواهد کرد؟

مطابق برخی از روایات، حضرت مهدی علیه السلام بین اهل تورات به توراتشان و بین اهل انجیل به انجیلشان و بین اهل زبور به زبورشان حکم خواهد کرد.

حال سؤال این است که اگر همه اهل عالم مسلمان هستند، چرا حکم بین تمام مردم در عصر ظهور یکسان نخواهد بود؟
و در مورد سؤال دوم چند احتمال وجود دارد:

۱- مقصود تطبیق این کتب در آن قسمتی است که فرمان به دخول در اسلام و ایمان به پیامبر داده است. اموری که در نسخه‌هایی از انجیل که حضرت مهدی علیه السلام یا حضرت عیسی علیه السلام به آنها نشان می‌دهند موجود است.

۲- اینکه مقصود آن است که حضرت احکام این کتب را بر معتقدان به آنها که اسلام نیاورده‌اند ولی تحت ذمه اسلامند به اجرا خواهد گذاشت.

آیا در حکومت حضرت مهدی علیه السلام تمام مردم اصلاح خواهند شد؟

مطابق برخی از روایات، اصلاحات حضرت مهدی علیه السلام فراگیر بوده و شامل همه افراد روی زمین خواهد شد.

از امام حسن مجتبی علیه السلام نقل شده که فرمود: «خداوند در آخرالزمان مردی را برمی انگیزاند که کسی از منحرفان و فاسدان نمی ماند مگر اینکه اصلاح گردد». (۱)

امام باقر علیه السلام می فرماید: «هنگامی که حضرت قائم ما قیام کند، دستش را بر سر بندگان خدا می گذارد و خردهایشان را جمع کرده (تمرکز می بخشد و رشد می دهد)، اخلاقشان را کامل می کند». (۲)

رسول خدا صلی الله علیه و آله به حضرت فاطمه علیها السلام می فرماید: «خداوند از نسل این دو (حسن و حسین علیهما السلام) شخصی را برمی انگیزد که دژهای گمراهی را می گشاید و دل‌های سیاه قفل خورده را تسخیر می نماید». (۳)

۱. اثبات الهداة، ج ۳، ص ۵۲۴. ۲. کافی، ج ۱، ص ۲۵.
 ۳. عقدالدرر، ص ۱۵۲؛ اثبات الهداة، ج ۳، ص ۴۴۸.

رجعت به چه معنا می باشد؟

شیعه امامیه معتقد است که پس از ظهور حضرت مهدی علیه السلام و تشکیل حکومت عدل الهی در سرتاسر جهان، گروهی از اولیای الهی و دوست داران خاندان رسالت، و برخی از معاندان و دشمنان خاندان وحی که از دنیا رفته اند، به دنیا باز می گردند. اولیای الهی و صالحان با دیدن حاکمیت حق و عدل در گستره گیتی شادمان می شوند. و نیز پرتویی از ثمرات ایمان و اعمال صالح خود را در دنیا مشاهده می نمایند. معاندان و دشمنان اهل بیت علیهم السلام نیز بخشی از جزای اعمال ناشایست خود را در این دنیا مشاهده کرده و به کیفر آن خواهند رسید. اصل اعتقاد به رجعت مطابق رأی گروهی از علمای امامیه از ضروریات مذهب به حساب می آید؛

شیخ حرّ عاملی می فرماید: «همانا ثبوت رجعت نزد همه علمای معروف و مصنفین مشهور از ضروریات مذهب امامیه به حساب می آید، و حتی عامه نیز از این موضوع باخبرند»^(۱).

مرحوم مجلسی می فرماید: «همانا اعتقاد به رجعت در همه عصرها مورد اجماع شیعه بوده، و این مسأله مانند خورشید در وسط روز معلوم است»^(۲).

علامه طباطبایی رحمته الله می فرماید: «روایات رجعت از طریق اهل بیت علیهم السلام به تواتر معنوی به ما رسیده است»^(۳).

۲. بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۲۳.

۱. الايقاظ من الهجعة، ص ۶۰.

۳. الميزان، ج ۲، ص ۱۰۷.

گرچه در معنای «رجعت» بین علما اختلاف شده و برخی آن را به معنای رجعت دولت گرفته‌اند، اما در اصل عقیده به رجعت اتفاق است، بلکه معنای معهود آن، که همان بازگشت به این دنیا در عصر ظهور است، معنای مشهور نزد علمای شیعه است.

آیا با پرشدن زمین از عدل و داد با ظهور حضرت مهدی علیه السلام تلاش برای سازندگی بیهوده نخواهد بود؟

هر عصر و زمانی اقتضائات و شرایط و وظایف خاص خود را می‌طلبد. ما که در عصر غیبت به سر می‌بریم و هنوز شرایط ظهور حضرت مهدی علیه السلام فراهم نشده باید به وظیفه خود عمل کنیم و نمی‌توانیم بگوییم که صبر کنیم تا حضرت بیاید و برای ما تلاش کند، گرچه او با تحقق شرایط خاصی که در سطح جهان پدید می‌آید ظهور کرده و در سطوح گسترده عدالت و آبادانی را می‌آورد، ولی این مطلب نباید ما را از این نکته غافل کند که ما نیز الان وظایف و تکالیفی داریم که باید به آنها عمل کنیم گرچه تأثیر آن مقطعی و محدود است؛ همچون کارهای اورژانسی که باید انجام گیرد تا مریض به بیمارستان رسیده و تحت معالجه ویژه مداوا شود.

چرا وارثان زمین فقط مستضعفان هستند، اغنیا چه گناهی دارند؟

اگر چه خداوند متعال قرآن کریم عده داده تا بر مستضعفان جهان منت نهد و آنان را وارثان زمین قرار دهد ولی مقصود از مستضعفان، فقیران تنها نیست، بلکه کسانی هستند که حقوقشان به نحوی پایمال شده و مستکبران عالم نگذاشتند به دینشان عمل کرده و آن را پیاده کرده و گسترش دهند، گرچه در میان آنها ممکن است اغنیا نیز وجود داشته باشند، وانگهی در این عصر و زمان تمامی اسلام و عموم مسلمین اعم از فقرا و اغنیا مورد تهاجم همه جانبه مستکبران عالم قرار گرفته و حقوق مادی و معنوی آنها به نحوی پایمال شده و اموال و ثروت‌های خدادادی آنان مورد دستبرد و چپاول قرار گرفته است.

مانده‌اند؟

چرا با وجود فرهنگ انتظار، کشورهای اسلامی اکثراً عقب

قبل از هر چیز باید فرهنگ انتظار درست و صحیح تبیین گردد تا در آن صورت مشاهده شود که آیا این فرهنگ در جامعه اسلامی به طور صحیح پیاده شده یا خیر و اگر پیاده شده اثر مثبت داشته است یا منفی. در جای خود به اثبات رسیده که انتظار مثبت و پویا به طور حتم می‌تواند محرک انسان برای آماده بوده و آماده سازی یک عصر نوین و برتر باشد؛ چرا که منتظران مصلح خود صالح اند. آری اگر اثر مثبتی در جامعه اسلامی چندان مشاهده نمی‌شود یا به جهت آن است که همچون اهل سنت چندان به این فرهنگ توجه نمی‌شود و یا مثل برخی از افراد شیعه به فرهنگ انتظار با دید منفی نگریسته شده است.

نحوه استفاده از امام غائب چگونه است؟

در عصر غیبت امام زمان علیه السلام عموم مردم و علی الخصوص شیعیان حضرت می توانند از او بهره هایی داشته باشند؛

۱- نفس وجود حضرت مهدی علیه السلام به عنوان واسطه فیض الهی برای عموم مردم فایده دارد و اگر او نمی بود زمین مضطرب می شد، زیرا خداوند متعال برخی از بلاها را به جهت وجود حضرت حجت علیه السلام از اهل زمین برمی دارد.

۲- شیعیان حضرت مهدی علیه السلام چه بخواهند یا نخواهند مورد توجه خاص و ویژه آن حضرت قرار دارند، همانگونه که در توقیعیان به شیخ مفید رحمته الله فرمودند:

ما هرگز شیعیان خود را فراموش نمی کنیم و گرنه دشمنان آنان را نابود می کردند.

۳- برای بهره برداری ویژه و خاص از فیوضات الهی که سمت واسطه گری در این جهت را دارند می توان با توسل به آن حضرت از راه دور و نزدیک از او بهره مند شد.

امام زمان علیه السلام چگونه در عصر غیبت، مردم را هدایت می‌کند؟

۱- هدایت تشریحی: که به بیان احکام شرع و معارف الهی برای مردم است. این نوع هدایت غالباً با حضور امام در میان مردم تحصیل می‌گردد.

۲- هدایت باطنی: که همان دستگیری از راه باطن و هدایت انسان از راه درون است. این نوع هدایت از آن جهت که نوعی تکوینی است، احتیاج به حضور حضرت و ملاقات مردم با او ندارد، بلکه با غیبت حضرت نیز امکان پذیر است، و تمام کسانی که در آنها تحوّل و دگرگونی پیدا می‌شود و از راه درون به حقّ و حقیقت رهنمون می‌شوند با تصرّفات است که از ناحیه امام زمان علیه السلام و به اراده و مشیّت خداوند انجام می‌پذیرد.

۳- برخی از انواع هدایت‌ها نیز هست که حضرت مهدی علیه السلام در حقّ شیعیانش انجام می‌دهد که متوقّف بر حضور و ملاقات‌های مقطعی است، مثل هدایت گمشدگان و شفای بیماران و....

فهرست

- پیشگفتار ۵
- چه آثار و فوایدی بر بحث از مهدویت در این زمان مترتب است؟ ۸
- ضرورت برپایی حکومت عدل جهانی از راه فطرت چگونه قابل تبیین است؟ ۱۱
- آیا بشر احتیاج به امداد غیبی دارد؟ ۱۳
- چه نوع آمادگی برای رسیدن به حکومت عدل جهانی لازم است؟ ۱۵
- حقیقت انتظار چیست؟ ۱۶
- آیا تأخیر در فرج موجب قساوت قلب می شود؟ ۱۹
- آیا انتظار طولانی فرج، خسته کننده و ملالت آور است؟ ۲۰
- چه آثاری بر انتظار منجی مترتب است؟ ۲۱
- آیا ایمان به ظهور منجی نزد ادیان و ملل دیگر نیز وجود دارد؟ ۲۳
- آیا عقیده مهدویت مورد اجماع مسلمین است؟ ۲۴
- اگر موضوع مهدویت حضرت مهدی علیه السلام واضح بوده، چرا عده‌ای به ۲۶
- مهدویت غیر او معتقد شدند؟ ۲۶
- چرا خداوند امامت را در کودک قرار داد؟ ۲۷
- چرا امام زمان علیه السلام از همان کودکی در اختفا به سر بردند؟ ۲۹

- ۳۱ غیبت صغرا از چه زمانی آغاز شد؟
- ۳۲ برای غیبت امام مهدی علیه السلام چه زمینه‌سازی از جانب امامان انجام گرفت؟
- ۳۳ وجود امام مهدی علیه السلام را در دوران غیبت صغرا چگونه می‌توان ثابت نمود؟
- ۳۴ چهار نایب حضرت علیه السلام چه کسانی بودند و چه وظایفی داشتند؟
- ۳۵ ملاک و معیار انتصاب نواب اربعه چه بوده است؟
- ۳۶ چه عواملی باعث شد برخی ادعای سفارت دروغین از طرف حضرت نمایند؟
- ۳۷ مدعیان دروغین سفارت چه کسانی بوده‌اند؟
- ۳۸ توقیع به چه معناست؟
- ۳۹ با توجه به فراگیری ظلم و فساد در عالم، چرا امام ظهور نمی‌کند؟
- ۴۰ مقصود از نیابت عامه در عصر غیبت کبرا چیست؟
- ۴۱ چرا با شنیدن نام «قائم» از جابر می‌خیزیم؟
- ۴۲ منظور از مهدویت نوعی و شخصی چیست؟
- ۴۳ آیا این گونه غیبت در بین انبیاء پیشین هم بوده است؟
- ۴۴ آیا خداوند نمی‌توانست حضرت مهدی علیه السلام را بدون غیبت حفظ نماید؟
- ۴۵ نظر فرقه «شیخیه» درباره امام زمان علیه السلام چیست؟
- ۴۶ دعا برای تعجیل فرج چه تأثیری در فرج شیعیان دارد؟
- ۴۷ وجود امام زمان علیه السلام در رفع بلا چه تأثیری دارد؟
- ۴۸ حکم کسی که منکر امام زمان علیه السلام است چیست؟
- ۴۹ وظیفه کلی ما در عصر غیبت نسبت به امام زمان علیه السلام چیست؟
- ۵۰ حضرت مهدی علیه السلام در عصر غیبت چه کارهایی را انجام می‌دهند؟

- ۵۹ غیبت امام زمان به چه معناست؟
- ۶۰ امام زمان علیه السلام چگونه در عصر غیبت، مردم را هدایت می کند؟
- ۶۱ جشن های میلاد چه آثاری دارد؟
- ۶۲ چگونه می توان عشق به امام زمان علیه السلام را در دل مردم زنده کرد؟
- ۶۳ آیا امام زمان علیه السلام به تمام نقاط جهان سر می زنند؟
- ۶۴ چرا وقتی عده ای امام زمان علیه السلام را می بینند از ابتدا او را نمی شناسند؟
- ۶۵ علت تأخیر فرج حضرت مهدی علیه السلام چیست؟
- ۶۶ چرا اگر امام زمان خود را شناسیم، به مرگ جاهلی از دنیا رفته ایم؟
- ۶۷ وظیفه ما برای نزدیک شدن ظهور چیست؟
- ۶۸ صدقه دادن به جهت سلامتی امام زمان علیه السلام چه حکمی دارد؟
- ۶۹ آیا عریضه نویسی به امام زمان علیه السلام مدرک معتبری دارد؟
- ۷۰ محل سکونت حضرت مهدی علیه السلام در عصر غیبت کبریا کجا است؟
- ۷۱ مؤمنین چه تکالیفی در عصر غیبت نسبت به امام زمان علیه السلام دارند؟
- ۷۴ مشخصات ظاهری حضرت مهدی علیه السلام چیست؟
- ۷۵ امام زمان علیه السلام چه اهداف خاصی از ملاقات با مردم داشته اند؟
- ۷۶ آیا تشرف به لقای امام زمان علیه السلام در عصر غیبت کبری ممکن است؟
- ۷۷ آیا اصرار و الحاح به جهت ملاقات با حضرت مطلوب است؟
- ۷۸ مستند ساختمان مسجد جمکران چیست؟
- ۷۹ نماز خاص مستحبی در مسجد جمکران چیست؟
- ۸۰ آیا خداوند می تواند عمر کسی را به این حد طولانی کند؟
- ۸۲ حکمت معین نبودن وقت ظهور حضرت چیست؟
- ۸۴ معنای ظهور امام زمان علیه السلام چیست؟

- ۸۵ غلبه بر جهان با یاران اندک چگونه ممکن است؟
- ۸۶ آیا حضرت مهدی علیه السلام با شمشیر قیام خواهد کرد؟
- ۸۹ اصحاب حضرت مهدی علیه السلام چگونه وارد مکه می شوند؟
- ۹۰ آیا در عصر ظهور، همه یک عقیده و مرام خواهند داشت؟
- ۹۱ حضرت مهدی علیه السلام با یهود و نصارا چگونه رفتار خواهد کرد؟
- ۹۲ آیا در حکومت حضرت مهدی علیه السلام تمام مردم اصلاح خواهند شد؟
- ۹۳ رجعت به چه معنا می باشد؟
- آیا با پرشدن زمین از عدل و داد با ظهور حضرت مهدی علیه السلام تلاش برای
- ۹۵ سازندگی بیهوده نخواهد بود؟
- ۹۶ چرا وارثان زمین فقط مستضعفان هستند، اغنیا چه گناهی دارند؟
- ۹۷ چرا با وجود فرهنگ انتظار، کشورهای اسلامی اکثرا عقب مانده اند؟
- ۹۸ نحوه استفاده از امام غائب چگونه است؟
- ۹۹ امام زمان علیه السلام چگونه در عصر غیبت، مردم را هدایت می کند؟